

کانون کارگزاری بورس
واورین بھادر



دوره آمادگی آزمون گواهینامه های حرفه ای بازار سرمایه

اصول بازار سرمایه اسلامی

تدوین: محمد صدرائی
فرزاد میدانی

مهرماه ۱۳۹۰

فہرست:

۱. دیدگاہ عمومی اسلام پیرامون قراردادهای جدید مالی..... ۲
۲. بورس بازی در بازار سهام از دیدگاہ اسلام..... ۲۱
۳. نمونہ سوآلات اصول بازار سرمایہ اسلامی..... ۳۳
۴. سوآلات اصول بازار سرمایہ اسلامی مرداد ۱۳۹۰..... ۴۶

کانون . کارگزاری بورس واورت بھادار

دیدگاه عمومی اسلام پیرامون قراردادهای جدید مالی

دکتر سیدعباس موسویان

مطالعه دقیق تعالیم اسلام نشان می‌دهد، نه تنها دین اسلام، مسلمانان را در چارچوب قراردادهای خاص محصور نکرده و همه قراردادهای عقلایی را با رعایت معیارها و ضوابطی جایز می‌داند بلکه فراتر از این، با ارائه خطوط کلی اندیشمندان را به تفکر و تأمل و طراحی ابزارهای نوین مالی و ابداع قراردادهای متناسب با عصر و زمان خود فرا می‌خواند.

اصل صحت قراردادهای جدید

همه فقیهان شیعه با قطع نظر از ادله اجتهادی (آیات و روایات) باب معاملات، بر این باورند که مقتضای اصل اولی در قراردادهای مالی، فساد است. به این معنی که اگر در صحت شرعی قراردادی شک و تردید باشد، از نظر شرع اثر مطلوب و مقصود بر آن قرارداد بار نمی‌شود.

اکثر فقیهان متأخر اعتقاد به تغییر اصل اولی فساد در معاملات داشته و معتقدند: اطلاعات و عمومات کتاب و سنت دلالت می‌کند بعد از احراز عرفی صدق معامله، اگر به هر دلیلی در صحت شرعی شک داشته باشیم تا زمانی که دلیل خاص یا عام بر بطلان معامله نباشد معامله از نظر شرع صحیح بوده و آثار معامله بر آن مترتب می‌شود و برای طرفین لازم‌الوفا است، و در این مطلب فرقی بین معاملات رایج در صدر اسلام و معاملات جدید نیست.

دلایل شرعی اصل صحت قراردادها

«یا ایها الذین آمنوا أوفوا بالعقود» (مائده(۵): آیه ۱).

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به پیمان‌ها و قرارها وفا کنید. آیه، وفای به هرآنچه عرفاً عقد می‌گویند، را واجب می‌داند و شامل تمام مصادیق عرفی عقد می‌باشد و کاملترین اطلاقی است که در مقام وارد شده است. و معنای «وفای به عقد»، عمل کامل و تمام عیار به عقد و مترتب کردن آثار و لوازم عقد است. بنابراین، آیه به دلالت مطابقی از مؤمنان می‌خواهد که به مقتضای هرآنچه که عرفاً عقد نامیده می‌شود وفا کنند و به آن ترتیب اثر دهند و به دلالت التزامی دلالت بر صحت هر عقد عرفی می‌کند. بنابراین هرگاه در صحت شرعی قراردادی شک کنیم تا زمانی که دلیل خاص یا عامی بر بطلان آن نداشته باشیم، می‌توان با تمسک به اطلاق آیه «اوفوا بالعقود» حکم به صحت آن قرارداد کرد.

سایر دلایل شرعی اصل صحت قراردادها

«وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» (اسراء(۱۷): ۳۴).

به پیمان (خود) وفا کنید، زیرا که از پیمان پرسش خواهد شد.

«یا ایها الذین آمنوا لا تأکلوا أموالکم بینکم بالباطل إلا أن تكون تجارةً عن تراضٍ منکم» (نساء(۴): ۲۹).

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال همدیگر را به باطلنخورید، مگر از طریق تجارتي که با رضایت شما باشد.

حدیث «المسلمون او المؤمنون عند شروطهم».

حدیث «الناس مسلطون علی اموالهم».

سیره شارع و متشرعه در باب معاملات

اصل صحت قراردادها در قانون ایران

به تبع فقه اسلام، قانون مدنی ایران نیز اصل آزادی قراردادها را پذیرفته است، در ماده ۱۰ قانون مدنی، آمده است: «قرار دادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند، در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است».

به اعتقاد حقوقدانان این ماده حاوی اصل آزادی قراردادهاست و به حکومت اراده، دامنه گسترده‌ای می‌بخشد

اصل لزوم قراردادهای جدید

قراردادها را به دو گروه لازم و جایز تقسیم می‌شوند، قرارداد لازم قراردادی است که هیچ یک از طرفین قرارداد حق فسخ آن را ندارند و تنها در صورتی که هر دو طرف رضایت داشته باشند قرارداد قابل فسخ خواهد بود که در اصطلاح به آن اقاله می‌گویند. اما قرارداد جایز قراردادی است که هر یک از طرفین قرارداد می‌توانند بدون رضایت دیگری اقدام به فسخ قرارداد کند.

دلایل شرعی اصل لزوم قراردادها

افزون بر دلایلی که در اصل صحت گذشت دلایل زیر نیز بر لزوم قراردادها دلالت می‌کنند. حدیث پیامبر اکرم (ص): «المؤمنون عند شروطهم» و «المسلمون عند شروطهم». مومنان و مسلمانان به شرط خود پایبند هستند. حدیث پیامبر اکرم (ص): «لا یجزل دَمُ امرءٍ و لا مالُهُ إِلَّا بِطِيبَةِ نَفْسٍ مِنْهُ» خون هیچ کسی به دیگری حلال نیست، مال هیچ کسی بر دیگری حلال نیست، مگر اینکه خودش با طیب خاطر رضایت دهد.

نتیجه اصل صحت و لزوم قراردادها

هر عهد و پیمانی که از منظر عرف و عقلا، قرارداد و عقد محسوب شود از دیدگاه شرع صحیح و لازم است مگر اینکه دلیل خاص یا عامی بر خلاف آن اقامه شود.

ضوابط عمومی قراردادهای بازار پول و سرمایه

افزون بر اهلیت، قصد و رضایت متعاقدين، بایستی ضوابط زیر در همه قراردادهای رعایت شود.

۱. ممنوعیت اکل مال به باطل.

۲. ممنوعیت ضرر و ضرار.

۳. ممنوعیت غرر.

۴. ممنوعیت ربا.

ضابطه اول؛ ممنوعیت اکل مال به باطل

«یا آیهنا الذین آمنوا لا تأکلوا أموالکم بینکم بالباطلِ اِلاّ انْ تَکونَ تجارَةً عنْ تراضٍ مِنْکُمْ» (نساء(۴): ۲۹).

ایکسانیکه ایمان آورده‌اید! اموال همدیگر را به باطلنخورید، مگر از طریق تجارتي که با رضایت شما باشد.

این آیه در مقام ارائه دوتا قانون کلی در عرصه معاملات است.

قانون اول؛ تصرف در اموال مردم بر وجه باطل حرام و ممنوع است، بنابراین هر نوع تجاوز، تقلب، غش، دزدی، رشوه، اخذ به زور و امثال آن‌ها که از نظر عرف و عقلا گرفتن مال از طریق آن‌ها بلاوجه و باطل است و هر نوع معامله چون خرید و فروش، اجاره، صلح برایشیائی که منفعت عقلایی ندارند، معاملاتی که به دید عقلا توان پرداخت آن‌ها نیست، از نظر اسلام، باطل و حرام می‌باشند.

قانون دوم؛ تصرف در اموال دیگران بر وجه تجارت از روی تراضی، صحیح و حلال است.

ضابطه دوم؛ ممنوعیت ضرر و ضرار

پیامبر(ص) می‌فرماید: «لاضرر و لاضرار علی مؤمن».

هیچ ضرر و ضراری بر مؤمن نیست.

ضابطه دوم از ضوابط عمومی باب معاملات قاعده نفی ضرر است، این قاعده حاکم بر تمام معاملات عقلایی است. یعنی شرع مقدس اسلام تنها آن گروه از معاملات را تأیید می‌کند که اصل معامله، اطلاق معامله و یا شرایط معامله، باعث ضرر و ضرار بر متعاملین یا جامعه مسلمین نشود.

ضابطه سوم؛ ممنوعیت غرر

«نهی النبى(ص) عن بیع الغرر»

پیامبر از بیع غرری نهی کردند.

پیامبر اکرم(ص) با بیان این نهی، در صدد تنظیم روابط معاملی بین انسان‌ها است، می‌خواهد آن گروه از قراردادها را که در اثر خدعه، غفلت و جهالت و یا هر عامل دیگری صفت غرری پیدا می‌کنند و مال یکی از طرفین معامله یا هر دو را در معرض هلاکت و نابودی قرار می‌دهند، از دایره بیع‌های مجاز خارج کرده و حکم به فساد آن‌ها کند.

مفاد قاعده این است که اسلام برای سامان دادن معاملات مردم و جلوگیری از نزاع‌ها و اختلافات، تمام معاملات غرری را باطل می‌شمارد و اگر این غرر ناشی از خدعه و نیرنگ یکی از متعاملین یا هر دو باشد علاوه بر حکم وضعی بطلان، حکم تکلیفی حرمت نیز خواهد داشت.

ضابطه چهارم؛ ممنوعیت ربا

شاید مهمترین و شاخص ترین تفاوت بین اقتصاد اسلامی با سایر اقتصادها ممنوعیت ربا از دیدگاه اسلام باشد، در حالی که ربا و بهره قراردادی در تار و پود اقتصاد متعارف حضور دارد و به اشکال مختلف چون اوراق قرضه، سپرده‌ها، وام‌ها و اعتبارات بانکی، کارت‌های اعتباری، در همه ابعاد اقتصاد سرمایه‌داری جریان دارد، اسلام با شدت تمام از آن نهی کرده، از گناهان کبیره شمرده و مرتکب شونده آن را نه تنها به عقاب دردناک اخروی بیم داده به مبارزه دنیوی نیز تهدید کرده است.

دلایل ممنوعیت ربا در اسلام

وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا.

خدا داد و ستد را حلال و ربا را حرام کرده است.

يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ.

خدا از (برکت) ربا می‌کاهد و بر صدقات می‌افزاید و خداوند هیچ ناسپاس گناه‌کاری را دوست نمی‌دارد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتِغُوا فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا پروا کنید، و اگر مؤمنید، آن چه از ربا باقی مانده است واگذارید و اگر (چنین) نکردید، بدانید خدا و رسولش، با شما پیکار خواهند کرد. و اگر توبه کنید، سرمایه‌های شما از آن خودتان است، نه ستم می‌کنید و نه ستم می‌بینید.

انواع ربا

ربا به دو قسم ربای قرضی و ربای معاملی تقسیم می‌شود.

تعریف ربای قرضی:

ربای قرضی رایج‌ترین نوع رباست که در جوامع مختلف وجود داشته و دارد، و عبارت است از اینکه فرد برای تأمین نیاز مالی، جهت امور مصرفی یا سرمایه‌گذاری، تقاضای قرض کند و در ضمن قرارداد، متعهد شود آنچه را می‌گیرد همراه با زیاده برگرداند، به عبارت دیگر ربای قرضی، قرارداد قرضی است که در آن شرط زیاده شده است.

تعریف ربای معاملی:

ربای معاملی آن است که یکی از دو کالای مثل هم، با زیاده عینی به مثل دیگر فروخته شود مانند فروختن یک من گندم به دو من آن، یا به یک من آن و یک درهم، یا با زیاده حکمی مانند یک من گندم نقداً به یک من آن نسیه، ربای معاملی اختصاص به بیع ندارد بلکه در همه معاملات مثل صلح نیز جاری است. و شرط آن دو چیز است.

اول: آنکه عوض و معوض، به دید عرف از جهت جنس یکی باشد.

دوم: آنکه عوض و معوض از مکیل یا موزون باشد، پس در چیزی که با شمردن یا مشاهده فروخته می‌شود ربا نیست.

حکمت تحریم ربا در تناسب با بازارهای مالی

بررسی آیات و روایات ناظر به فلسفه تحریم ربا و توجه به معاملات مجاز نشان می‌دهد که دین اسلام با تحریم ربا به دنبال تحقق اهداف زیر می‌باشد:

۱. گسترش انواع روابط خیرخواهانه چون انفاقات، صدقات، اوقاف و قرض الحسنه.
۲. گسترش انواع معاملات تجاری چون بیع، اجاره، جعاله و سلف.
۳. گسترش انواع مشارکت‌ها چون شرکت، مضاربه، مزارعه و مساقات
۴. گسترش سرمایه گذاری‌های مستقیم اقتصادی.

حیله ربا

حیله در لغت از ماده حول به معنای تیزهوشی، مهارت، دقت نظر، چاره جویی است. دقت در تعاریف حیله در فقه نشان می‌دهد که اقدامی که به منظور تغییر حکم شرعی انجام می‌شود، حیله نام دارد. تغییر حکم شرعی ناظر به تغییر موضوع حکم است نه خود حکم شرعی! برخی از فقهای بزرگ مثل صاحب جواهر حیله ربا را مشروع می‌دانند. برخی دیگر نیز مانند سیدمرتضی، محقق بهبهانی و حضرت امام خمینی (ره) حیله ربا را حرام دانسته و با آن مخالفت می‌کنند.

تعریف حیله ربا

حیله ربا عبارتست از انجام عملی برای خارج کردن مورد معامله از موضوع ربا تا حکم حرمت و ممنوعیت ربا شامل آن نشود.

دلایل ممنوعیت حیله ربا

- ۱) مخالفت با علت و حکمت تحریم ربا (نظر امام خمینی (ره))
- ۲) عدم قصد جدی بر انجام معامله (نظر آیت‌ا... مکارم شیرازی)
- ۳) عدم فرق عرفی بین ربا و حیله آن
- ۴) روایات نهی کننده از حیله ربا

دلایل جواز حیله ربا

- ۱) روایات مربوط به بیع العینه
- ۲) روایات مربوط به بیع محاباتی
- ۳) روایات مربوط به بیع به شرط
- ۴) روایات تجویز کننده حیله ربا در معامله

معیارهای تشخیص حيله مجاز و غيرمجاز

- (۱) قصد معامله
- (۲) صدق عنوان ربا
- (۳) اتحاد عرفی و عقلايی حيله با ربا

مصاديق حيله مجاز

- (۱) خريد و فروش نقد و نسيه
- (۲) خريد و اجاره به شرط تملك
- (۳) فروش نسيه و تنزيل

اصول و معيارهای اقتصاد خردابزارهای مالی

۱. تطابق با اهداف و انگیزه‌های خریداران ابزارهای مالی
- الف. اهداف و انگیزه‌های خیر خواهانه و اخروی
- ب. کسب سود مادی
۲. تطابق با روحيات و سلیقه‌های خریداران ابزارهای مالی
۳. نقدینگی
۴. کارایی

اصول و معيارهای اقتصاد کلانابزارهای مالی

۱. همسویی با رشد اقتصادی
۲. همسویی با عدالت اقتصادی
۳. قابلیت برای سیاست مالی
۴. قابلیت برای سیاست پولی

قراردادهای مورد نیاز برای طراحی ابزارهای مالی

- | | | |
|-------------|-----------------------|------------|
| (۱) قرض | (۲) دين | (۳) بيع |
| (۴) اجاره | (۵) اجاره به شرط تملك | (۶) جعاله |
| (۷) استصناع | (۸) شرکت | (۹) مضاربه |
| (۱۰) مزارعه | (۱۱) مساقات | (۱۲) صلح |
| (۱۳) وکالت | | |

تعریف قرض

قرض عبارت است از اینکه مالی را به ضمان، ملک دیگری نمایند، به اینکه به عهده او باشد خود آن مال یا مثل یا قیمت آن را بپردازد.

ماهیت قرارداد قرض

قرارداد قرض قرارداد تملیکی، معاوضی و به نوعی تبرعی است. یعنی در قرارداد قرض، قرض دهنده مال را به ملکیت قرض گیرنده در می آورد و قرض گیرنده متعهد می شود عوض آنچه را قرض کرده به قرض دهنده برگرداند و در عین حال قرض، همراه با نوعی ایثار و تبرع است.

شرط زیاده، هدیه و کارمزد در قرارداد قرض

اشتراک هر نوع زیاده بر عهده قرض گیرنده ربا و حرام است، پرداخت هر نوع زیاده از طرف قرض کننده بدون شرط قبلی، به عنوان هدیه یا غیر آن، حلال و در مواردی مستحب است. گرفتن کارمزد برای عملیات اعطای قرض به ویژه زمانی که این کار توسط مراکزی مانند بانک یا صندوق قرض الحسنه ای صورت پذیرد جایز است.

تعریف دین

دین، مال کلی ثابت در ذمه یک فرد به نفع دیگری است که به یکی از اسباب دین حاصل می شود، سبب دین دو گونه است.

الف. اختیاری، مانند قرض، بیع نسبه، اجاره و امثال اینها.

ب. قهری، مانند ضمانات، نفقه همسر دائم و مانند آنها.

کاهش دین در مقابل پرداخت زودتر

گاهی فردی از کسی به جهت بیع نسبه، سلف یا سبب دیگری، طلب مدت داری دارد و از طرفی به خاطر نیاز، دوست دارد مقداری از طلبش را صرف نظر کند تا در مقابل، زودتر از موعد مقرر آن را وصول کند، همین طور گاهی بدهکار دوست دارد در مقابل کاهش مبلغ بدهی، زودتر از موعد، دین خود را پرداخت کند. فقیهان شیعه بدون هیچ اختلافی این عمل را صحیح می دانند.

جریمه تأخیر در پرداخت دین

شکی نیست هر نوع افزایش مبلغ بدهی در مقابل تمدید مدت، ربا و حرام است، بحثی که هست این است که آیا طلبکار در قرارداد قرض یا غیر آن می تواند برای الزام بدهکار به پرداخت به موقع بدهی شرط جریمه تأخیر در پرداخت، کند؟ برخی از فقها، گرفتن هر نوع زیاده هر چند به عنوان جریمه دیر کرد را از مصادیق ربا می دانند، در مقابل برخی از فقها تفصیلاتی داده اند.

بیع دین

یکی از مسائل مهم دین امکان خرید و فروش دیون و مطالبات مدت‌دار است، اگر بیع دین خصوصاً به کمتر از قیمت اسمی به شخص ثالث (تنزیل) صحیح باشد، راهکار مهمی جهت تأمین مالی در اختیار دولت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی قرار می‌گیرد، دولت و فعالان اقتصادی می‌توانند مطالبات مدت‌دار خود از شرکت‌ها، مؤسسات، اشخاص حقیقی و حقوقی را به صورت اسناد متحدالشکل درآورده و عنداللزوم در بازار به فروش رسانند و از این طریق نیازهای کوتاه مدت خود را به نقدینگی تأمین کنند. مشهور فقهای شیعه بیع را جایز و مشهور فقهای اهل سنت آن را ربا و حرام می‌شمارند.

بیع دین در حقوق ایران

عمده بحث بیع دین در حقوق ایران در تنزیل اسناد تجاری از طرف بانک‌ها مطرح است، در حال حاضر عملیات مربوط به خرید دین بر مبنای آئین‌نامه موقت تنزیل اسناد و اوراق تجاری و مقررات اجرایی آن، که در جلسه مورخ ۱۳۶۱/۸/۲۶ شورای پول و اعتبار به تصویب رسیده و متعاقباً در شورای نگهبان نیز مطرح و به اکثریت آراء مخالف با شرع و قانون اساسی شناخته نشده است، انجام می‌پذیرد.

بیع دین به دین

طلحہ بن زید در روایت موثقی از امام صادق نقل می‌کند که فرمود: «قال رسول اللہ: لا یباع الدین بالدین». دین در مقابل دین فروخته نمی‌شود.

تعریف بیع

بیع قراردادی است که به موجب آن هر یک از فروشنده و خریدار، مال خود را در عوض مال دیگری، به وی تملیک می‌کند.

ماهیت بیع

قرارداد بیع قرارداد معاوضی و تملیکی است یعنی بعد از پایان بیع، ثمن به ملکیت فروشنده و مبیع به ملکیت خریدار درمی‌آید.

انواع بیع به حسب بایع و مشتری

قرارداد بیع همانطور که بالا صاله از طرف مالک واقع می‌شود، با وکالت یا ولایت از یک طرف یا از دو طرف هم واقع می‌شود. اگر مال دیگری را بدون وکالت و ولایت بفروشد معامله را «بیع فضولی» می‌گویند که با اجازه مالک اصلی صحیح و گرنه باطل است.

انواع بیع از جهت زمان پرداخت عوضین

اول: بیع نقد

دوم: بیع نسبی

سوم: بیع سلف

چهارم: بیع کالی به کالی

بیع نقد

کسی که کالایی را در مقابل مبلغی می‌فروشد اگر در قرارداد شرط مدت‌دار بودن مبیع یا ثمن را نکنند و یا تصریح به حال بودن آن دو کنند، بیع نقد و حال خواهد بود.

در بیع نقد، بایع حق دارد بعد از تسلیم مبیع، هر وقتی که بخواهد ثمن را مطالبه کند و مشتری حق امتناع ندارد کما اینکه مشتری هر وقت بخواهد ثمن را می‌پردازد و بایع حق خودداری از گرفتن آن ندارد، مشتری حق دارد پس از تسلیم ثمن، مبیع را مطالبه نماید و بایع حق امتناع ندارد.

بیع نسبی

اگر در قرارداد بیع، برای پرداخت ثمن مدت تعیین شود، بیع نسبی خواهد بود. در بیع نسبی رعایت چند مسئله ضروری است.

۱. زمان پرداخت ثمن باید معین و مضبوط باشد.
۲. وقتی زمان پرداخت فرا می‌رسد، افزودن بر مبلغ بدهی برای تمدید مدت جایز نیست اما عکس آن جایز است.
۳. اگر چیزی را نسبی بفروشد، خرید آن شی از او قبل از سررسید ثمن و بعد از آن صحیح است چه ثمن بیع دوم از جنس ثمن بیع اول باشد یا نه، چه از جهت مقدار مساوی ثمن اول باشد یا نه، و چه فروش دوم نقد باشد یا نسبی، البته همه این‌ها در صورتی صحیح است که بیع دوم در بیع اول شرط نشده باشد، بنابراین اگر بایع در فروش اول بر مشتری شرط کند که بعد از خرید، مبیع را به خود او بفروشد یا خریدار شرط کند که بایع بعد از فروش، آن را از خریدار بخرد، نیست که به آن بیع العینه می‌گویند.

بیع سلف

اگر در قرارداد بیع برای تحویل مبیع مدت تعیین شود معامله را بیع سلف یا سلم می‌گویند و در آن شرایطی معتبر است.

۱. جنس و اوصاف مبیع باید به گونه‌ای توصیف شود که جهالت برطرف شود.
۲. مقدار مبیع از جهت وزن، پیمانه، عدد و ... معین باشد.
۳. سررسید تحویل مبیع مشخص و مضبوط باشد.
۴. مشتری قبل از ترک مجلس کل ثمن را بپردازد.
۵. مکان تحویل مبیع را معین کنند.

۶. کالای خریداری شده را، قبل از سررسید، نمی‌توان فروخت، نه به خود فروشنده و نه به غیر او، بعد از سررسید فروش آن جایز است، به جنس ثمن اول باشد یا به غیر آن، مساوی ثمن اول باشد یا نباشد، مادامی که مستلزم ربای معاملی نشود.

۷. در سررسید اگر بایع به دلایلی چون نبودن کالا، نتواند مبیع را تحویل دهد، خریدار مخیر است که معامله را فسخ کرده ثمن را پس بگیرد یا منتظر باشد تا بایع متمکن از پرداخت شود، خریدار نمی‌تواند بایع را ملزم به پرداخت قیمت کالا در سررسید نماید.

بیع کالی به کالی

اگر در قرارداد بیع، هم برای تحویل مبیع و هم برای پرداختن ثمن مدت تعیین کنند بیع کالی به کالی نامیده می‌شود. بیع کالی به کالی به چند صورت قابل تصور است، طلب مدت‌داری با طلب مدت‌دار دیگری مبادله شود، که به آن بیع دین به دین می‌گویند و باطل است. کالای تحویلی آینده در مقابل ثمن مدت‌دار معامله شود. مبیع مدت‌دار در مقابل طلب مدت‌دار معامله شود. طلب مدت‌داری در مقابل ثمن مدت‌دار فروخته شود. مشهور فقها صور دوم تا چهارم را نیز باطل می‌دانند، برخی از فقها این صور به ویژه صورت دوم را صحیح می‌دانند.

اجاره

یکی از قراردادهایی که در طراحی ابزارهای مالی اسلامی مورد استفاده قرار می‌گیرد قرارداد اجاره است که گاهی به صورت اجاره ساده و گاهی به صورت اجاره به شرط تملیک به کار می‌رود.

تعریف اجاره

اجاره قراردادی است که به موجب آن مستأجر در برابر مالی که به موجد می‌پردازد برای مدت معین، مالک منافع عین مستأجره می‌شود.

ماهیت عقد اجاره

اجاره؛ عقدی تملیکی، معوض، موقت و لازم است.

تعریف اجاره به شرط تملیک

اجاره به شرط تملیک عقدی است که در آن شرط می‌شود مستأجر در پایان مدت اجاره و در صورت عمل به شرایط مندرج در قرارداد، عین مستأجره را مالک گردد.

احکام اجاره

۱. عین مستأجره می تواند مستقل یا مشاع باشد و در صورت مشاع بودن تسلیم عین مستأجره منوط به اذن شرکاء دیگر است.
۲. مقدار منفعتی که به ملکیت مستأجر در می آید باید معلوم باشد.
۳. در اجاره اموال مستأجر از حین عقد مالک منفعت و در اجاره اشخاص، مالک عمل می شود. همچنین از حین عقد موجر و اجیر مالک اجاره بها می شوند.
۴. اگر مالک، در اثناء مدت اجاره، عین مستأجره را به فرد ثالثی بفروشد، اجاره به صحت خود باقی می ماند و خریدار مالک عین مستأجره می شود و مستأجر اجاره بها را به موجراولی می پردازد مگر آنکه در قرارداد بیع خلاف آن شرط شود.
۵. اگر اجاره به هر دلیلی باطل شود مستأجر باید به مقداری که از منافع استفاده کرده است اجرت المثل آن را بپردازد.
۶. اگر موجر، عین مستأجره را به مستأجر تحویل داد اما وی از منافع آن استفاده نکرد و مدت اجاره پایان یافت، باید اجرت مقرر را بپردازد.

تعریف جعاله

جعاله عبارت است از، متعهد شدن شخص حقیقی یا حقوقی به پرداخت اجرت (جعل) معین در برابر انجام کار معین. متعهد را جاعل و انجام دهنده کار را عامل می گویند.

اقسام جعاله

۱. جعاله عام

در جعاله عام توجه اصلی کارفرما (جاعل) به انجام کار است و انجام دهنده کار هرکس باشد تفاوتی نمی کند، برای مثال دولت اعلام می دارد هرکس که بتواند معدن خاصی را کشف کند، مبلغ معینی دریافت می کند.

۲. جعاله خاص

در جعاله خاص، کارفرما با عامل معینی کار دارد، به پیمان کار مشخصی اعلام می کند چنان چه پروژه معینی را در مدت زمان مشخصی احداث و به بهره برداری برساند مبلغ معینی دریافت خواهد کرد.

ماهیت جعاله

در این که قرارداد جعاله عقد یا ایقاع است، بین فقها اختلاف است، برخی آن را از عقود می دانند در مقابل مشهور فقها آن را از ایقاعات می دانند و برخی بین جعاله عام و خاص فرق گذاشته و به عقد لازم بودن جعاله خاص تمایل دارند.

تفاوت جعاله و اجاره

بین قرارداد جعاله و اجاره تفاوت هایی هست مانند:

۱. اجاره از عقود لازم است در حالی که به اعتقاد مشهور فقیهان جعاله از ایقاعات جایز است.

۲. کاری که در قرارداد اجاره، فرد برای آن اجیر می‌شود بایستی کاملاً معلوم باشد به خلاف جعاله که می‌تواند تا حدودی مجهول باشد.

۳. در قرارداد اجاره با انعقاد قرارداد مستاجر مالک کار و اجیر مالک اجرت می‌شود در حالی که در جعاله عامل بعد از انجام کار مالک اجرت می‌شود.

شرکت

یکی از معاملات رایج در عصر حاضر به ویژه در بازار سرمایه، شرکت است که به انواع و اشکال گوناگون جریان دارد، شرکت علاوه بر اینکه نوع خاصی از قراردادهای مالی است گاهی نتیجه قرارداد و گاهی نتیجه یک حادثه و اتفاق است. بر این اساس فقها وقتی وارد بحث شرکت می‌شوند آن را فراتر از یک قرارداد می‌بینند. در بازار سرمایه مهم شرکت عقدی است.

شرکت عقدی

شرکت عقدی، قراردادی است بین دو یا چند نفر تا با مال مشترک بین آنها معامله و داد و ستد انجام شود. ثمره چنین قراردادی آن است که طبق قرارداد تصرف در مال مشترک و کار با آن به هدف کسب سود جایز می‌شود و سود و زیان حاصل به تناسب سرمایه بین شرکا تقسیم می‌گردد.

شرکت عقدی نیز همانند سایر قراردادها نیاز به ایجاب و قبول دارد و این ایجاب و قبول با هر زبان و لفظی که بیان شود کفایت می‌کند. برای مثال هر دو بگویند: «شریک شدیم» یا یکی بگوید و دیگری بگوید: «قبول کردم» کافی است. کما اینکه اگر به قصد شرکت اموال خود را با هم مخلوط کرده در فعالیت اقتصادی مانند داد و ستد بکار گیرند کفایت می‌کند.

انواع شرکت

شرکت عقدی به چهار صورت مطرح است که به اعتقاد مشهور فقهای شیعه تنها صورت اول صحیح است.

۱. **شرکت‌العنان (شرکت در اموال)**؛ دو یا چند نفر به‌طور مشترک سرمایه یک فعالیت اقتصادی را تأمین می‌کنند و از طریق آن اکتساب کرده در سود و زیان شریک می‌شوند.

۲. **شرکت‌الابدان (شرکت در کار)**؛ دو یا چند نفر پیمان می‌بندند که هر چه از کار خود بدست می‌آورند با هم شریک باشند، خواه کارشان یکسان باشد یا متفاوت و خواه مبنای شرکت کار معین باشد یا مطلق کار.

۳. **شرکت‌الوجوه (شرکت در اعتبار)**؛ دو یا چند نفر بدون اینکه سرمایه‌ای بیاورند با هم پیمان می‌بندند که هر کدام اموالی را به صورت نسبه بر ذمه خود بخرد و این اموال از آن هر دو باشد، سپس کالای خریداری شده را بفروشد و بدهی خود را بپردازد و آنچه بجا می‌ماند سود هر دو باشد.

۴. **شرکت‌المفاوضه**؛ دو یا چند نفر پیمان ببندند هر چه برای آنها از سود تجارت، فواید زراعت، کسب یا ارث یا وصیت و یا غیر آنها می‌رسد بینشان مشترک باشد و هم چنین هر غرامت و خسارتی که بر یکی از آنها وارد می‌شود بر همه باشد.

احکام شرکت

سرمایه شرکت

در عقد شرکت بعد از انعقاد قرارداد کل سرمایه به صورت مشاع به همه شرکا تعلق دارد، اعم از اینکه سرمایه به شکل دارایی‌های فیزیکی مانند زمین و ساختمان، یا دارایی‌های نقدی چون ریال، یا ترکیبی از آن دو، و هیچ یک از اعضا نمی‌تواند سرمایه جداگانه‌ای داشته باشد.

تصرف در اموال شرکت

حق تصرف در مال شرکت طبق توافق قرارداد شرکت خواهد بود، اگر در قرارداد این حق به یکی از شرکا داده شود تنها او مجاز در تصرف خواهد بود و دامنه تصرفات او نیز در حد توافق است.

تقسیم سود و زیان

اگر در قرارداد شرکت در مورد کیفیت تقسیم سود و زیان توافق خاصی نداشته باشند، سود و زیان به نسبت مال هر یک از شرکا بین آنان تقسیم می‌شود. اما اگر در قرارداد کیفیت خاصی را توافق کردند، براساس توافق خاص تقسیم می‌شود.

تضمین ضرر احتمالی

به مقتضای اصل اولی شرکت، سود و زیان بر حسب سرمایه تقسیم می‌شود، اما اگر ضمن عقد شرط کنند ضرر احتمالی را یک یا چند نفر از شرکا جبران کنند مانع ندارد، بنابراین برای جلب اطمینان اعضاء شرکت، یک یا چند نفر از آنها که اطلاعات و تجربه کافی دارند می‌توانند ضرر احتمالی را تا مدت معینی یا مطلقاً بر عهده گیرند.

جواز شرکت

عقد شرکت عقد جایز است، اگر برای شرکت مدتی تعیین کنند، لازم نمی‌شود بلی اگر در ضمن عقد لازمی شرط کنند وفای به آن شرط واجب است، همین‌طور شرکت با مرگ، دیوانگی، بیهوشی و محجور شدن یکی از شرکا فسخ می‌شود.

تقسیم و انحلال شرکت

با تقسیم شرکت، شرکت منحل می‌شود، از آنجا که شرکت عقد جایز است هر یک از شرکا می‌تواند قرارداد را فسخ و تقاضای تقسیم کند با تقاضای تقسیم یکی از شرکا بر دیگران واجب است قبول کرده مال شرکت را تقسیم کنند مگر زمانی که به دلایل مختلف چون غیرقابل تقسیم بودن مال شرکت یا کم بودن سهم شرکت فرد، تقسیم موجب ضرر مالی سایر شرکا گردد.

مضاربه

مضاربه در لغت یعنی تجارت با سرمایه دیگری و در اصطلاح عقدی است که به موجب آن فردی (مالک) مالی را در اختیار فردی دیگر (عامل) می گذارد تا با آن مال تجارت کند و سود حاصله میان آن دو به نسبت معینی که توافق کرده اند تقسیم گردد.

ارکان عقد مضاربه

الف - ایجاب و قبول

ب - طرفین عقد

ج - سرمایه؛ مالی که با آن تجارت می شود و دارای شرایط زیر است

۱. عین باشد؛ بنابراین مضاربه با منفعت و یا دین، صحیح نیست.

۲. نقد باشد. بنابراین مضاربه با جنس و کالا صحیح نیست.

۳. معلوم باشد؛ مقدار سرمایه باید معلوم و معین باشد.

د - کار (عمل)؛ نوع کاری که باید عامل با سرمایه انجام دهد تجارت است و اگر عامل از راههای دیگری مثل تولید یا زراعت و غیره، از سرمایه سود بدست آورد عنوان مضاربه به آن صدق نمی کند.

اگر در مضاربه، عامل مکلف به تجارت خاصی نشده باشد مضاربه را مطلق یا عام و اگر مکلف به تجارت خاصی شده باشد مضاربه را مقید یا خاص می گویند.

ه - سود؛ فایده ای که از عملیات تجارت حاصل می شود را سود می گویند، این سود شرایطی دارد:

۱. سود مضاربه متعلق به عامل و مالک می باشد و اختصاص مقداری از سود به فرد ثالثی که نقشی در عملیات مضاربه ندارد صحیح نیست.

۲. سهم هر کدام از مالک و عامل از سود حاصله باید در ابتدای عقد مشخص شود. این مقدار باید به صورت کسری از کل سود باشد و نمی توان مقدار قطعی در نظر گرفت.

۳. زمان تقسیم سود بعد از پایان مضاربه است، اگر مضاربه به هر دلیلی فسخ شود. کالاهای موجود فروخته شده، سپس اصل سرمایه اولیه از آن کم می شود، سود باقی مانده به نسبت سهم هر یک از عامل و مالک تقسیم می شود.

ماهیت عقد مضاربه

مضاربه عقدی جایز است پس هر یک از عامل و مالک در هر مرحله از عقد می توانند به توجه به نکات زیر عقد را فسخ کنند.

۱. اگر ضمن عقد مضاربه شرط لزوم کنند شرط باطل اما مضاربه صحیح است.

۲. اگر برای عقد مضاربه مدت تعیین کنند باعث لزوم عقد مضاربه نمی شود فقط عامل بعد از مدت مذکور نمی تواند بدون اذن جدید مالک در مال تصرف کند.

۳. اگر در ضمن یک عقد لازم خارج از مضاربه، شرط لزوم مضاربه را کرده باشند این شرط صحیح بوده و تا پایان مدتی که معین می کنند طرفین نباید مضاربه را فسخ کنند.

احکام اساسی عقد مضاربه

۱. کاری را که عامل به عهده می‌گیرد باید در حدّ توانایی او باشد.
۲. عامل نمی‌تواند در برابر کاری که انجام می‌دهد غیر از سهم سود، اجرتی مطالبه کند.
۳. اگر مضاربه عام باشد عامل می‌تواند هر قسم تجارتي را که صلاح می‌داند انجام دهد. اما اگر مضاربه خاص باشد عامل باید به آنچه شرط شده عمل نماید و چنانچه از امور معین شده تخلف کرد و ضرری به سرمایه وارد شد ضامن است،
۴. اگر کسی مال دیگری را به مضاربه بگذارد مضاربه فضولی بوده و صحّت آن منوط به اجازه مالک اصلی می‌باشد.
۵. عامل امین است و اگر تلف یا عیبی بر مالی که در اختیار دارد عارض شود ضامن نیست مگر اینکه تعدی یا تفریط کرده باشد. همینطور عامل ضامن زیان وارده بر مال در اثر تجارت نمی‌باشد و همه اینها بر عهده مالک است.
۶. اگر مالک شرط کند که تمام یا قسمتی از زیان معامله بر عهده عامل باشد شرط باطل است اما مضاربه صحیح می‌باشد. اگر این شرط در ضمن عقد لازم خارج عنوان شده باشد لازم‌الوفاست.
۷. عامل حق ندارد چیزی از سرمایه را مصرف مخارج خود کند هر چند کم باشد.
۸. عامل باید پس از تحویل سرمایه از مالک، اقدام به تجارت کند و اگر مدتی تجارت را به تأخیر انداخت و سرمایه تلف شد ضامن سرمایه می‌باشد.
۹. اگر به دلایلی مقداری از سرمایه تلف شد و با بقیه آن سود حاصل شود باید ابتدا، با سود حاصله مقدار تلف شده از سرمایه را جبران کنند سپس اگر چیزی از سود باقی ماند، بین مالک و عامل طبق قرارداد تقسیم می‌شود.
۱۰. اگر مالک یا عامل فوت کند مضاربه باطل می‌شود و در صورت فوت مالک، ورثه او می‌توانند با عامل توافق کنند و مجدداً عقد مضاربه برقرار کنند.
۱۱. عامل نمی‌تواند بدون اجازه مالک، سرمایه را با مال خود یا مال شخص ثالث مخلوط کند.
۱۲. عقد مضاربه را می‌توان به صورت جعله منعقد ساخت به این نحو که مالک به عامل بگوید اگر با این مال تجارت کنی و سودی بدست آوری نصف سود مال توست. در این صورت جعله فایده مضاربه را می‌دهد و نیاز نیست شرایط مضاربه رعایت شود بنابراین می‌تواند سرمایه، غیرنقد یا دین باشد.

مزارعه

مزارعه در لغت به معنای با هم زراعت کردن یا قرار کشتکاری با هم گذاشتن است. و در اصطلاح عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین زمینی را در اختیار دیگری قرار می‌دهد که آن را زراعت کرده و محصول را با هم تقسیم کنند.

ارکان عقد مزارعه

- الف - طرفین عقد
- ب - ایجاب و قبول
- ج - زمین: زمینی که مزارع به منظور مزارعه در اختیار عامل قرار می‌دهد، لازم نیست مالک باشد بلکه اگر تنها مالک منافع آن باشد (مثلاً اجاره کرده باشد) یا به واسطه ولایت و قیومیت حق تصرف در آن را داشته باشد کافی است.

د - نوع زراعت و مدت مزارعه

ه - سهم طرفین از محصول

ماهیت عقد مزارعه

مزارعه عقد لازم است و طرفین فقط در صورت اقاله (رضایت هر دو طرف بر انحلال مزارعه) می توانند آن را قبل از پایان مدت، منحل کنند در موارد زیر نیز عقد مزارعه فسخ می گردد:

۱. اگر در ضمن عقد برای یک یا هر دو نفرشان خیار فسخ مقرر شود.
۲. مزارع و عامل می توانند در صورت غبن معامله را فسخ کنند (خیار غبن)
۳. هر گاه زمین به دلیل فقدان آب یا علل دیگری از قابلیت انتفاع خارج شود و رفع مانع ممکن نباشد.

احکام عقد مزارعه

۱. مزارعه با مرگ یکی از طرفین عقد باطل نمی شود و ورثه هر کدام جانشین او می شود.
۲. اگر بعد از مزارعه معلوم شود که عقد باطل بوده است محصول بدست آمده مال صاحب بذر است. پس اگر بذر و عوامل دیگر تولید از عامل باشد محصول متعلق به عامل می شود او باید اجرت زمین را به صاحب زمین بپردازد و اگر مال صاحب زمین باشد محصول به وی متعلق می شود و او باید اجرت المثل کار عامل را بپردازد.
۳. عامل می تواند فردی را برای زراعت اجیر کند یا با دیگری شریک گردد اما برای انتقال معامله یا تسلیم زمین به دیگری، رضایت صاحب زمین لازم است.

مساقات

مساقات در لغت به معنی آب دادن و یکدیگر را سیراب کردن است. و در اصطلاح عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین (مالک) باغی را در اختیار دیگری (باغبان) قرار می دهد تا او روی آن باغ فعالیت باغداری کند و محصول را با هم تقسیم کنند.

ارکان عقد مساقات

الف - ایجاب و قبول

ب - طرفین عقد:

مساقات دهنده (مالک) و مساقات گیرنده (عامل) باید شرایط عمومی طرفین عقد را دارا باشند. مساقات دهنده باید مالک عین یا منافع درختان باشد و یا به دلیل ولایت یا قیومیت بر مالک درختان یا وکالت از سوی او، حق تصرف در درختان را داشته باشد.

ج - درختان

د - مدت مساقات

ه - سهم طرفین از محصول

ماهیت عقد مساقات

عقد مساقات از عقود لازم است و طرفین عقد تنها در موارد زیر می‌توانند آن را فسخ نمایند:

۱. اقاله (رضایت هر دو طرف بر فسخ معامله).
۲. اشتراط حق فسخ در ضمن عقد برای یک یا هر دو طرف قرارداد.

احکام عقد مساقات

۱. اگر در عقد مساقات، ریز وظایف عامل را معین کرده باشند عامل باید همه آنها را انجام دهد. در غیر این صورت، عامل موظف است طبق عرف رایج عمل نماید.
۲. در صورتی که مباشرت در عمل شرط نشده باشد عامل می‌تواند برای بعضی از کارها یا تمام آنها، اجیر استخدام کند و اجرت او بر عهده عامل است.
۳. مالکیت طرفین بر سهم خود از محصول زمانی تثبیت می‌شود که میوه‌ها ظاهر شده باشند اگر چه کامل نرسیده باشند.
۴. مالیات باغ بر عهده مالک است نه بر عامل، مگر اینکه در ضمن عقد شرط کرده باشند که عامل بپردازد.
۵. اگر عقد مساقات به هر دلیلی و در هر مرحله‌ای باطل شود میوه متعلق به مالک درختان است و عامل، اجرت‌المثل کارش را دریافت می‌کند اما اگر علت بطلان، مقرر کردن تمام محصول برای مالک باشد (که یکی از مبطلات مساقات بود) در اینصورت عامل اجرت‌المثل هم نمی‌گیرد.

صلح

صلح در لغت به معنای سازش و آشتی و توافق است و در اصطلاح شرعی قراردادی است که به موجب آن انسان با دیگری سازش می‌کند که مقداری از مال یا منفعت مال خود را ملک او کند یا از حق خود بگذرد خواه این سازش در برابر عوض یا بدون عوض باشد.

ماهیت قرارداد صلح

به اعتقاد امامیه عقد صلح قرارداد مستقل بوده و شرط آن نیست که مسبوق به نزاع باشد، امام خمینی در این باره می‌فرماید:

«صلح، خودش عقدی مستقل و عنوان جداگانه ای است، احکام سایر قراردادها بر آن بار نمی‌شود و شرایط آن‌ها در صلح جاری نمی‌باشد اگر چه فایده آن‌ها را داشته باشد. پس صلحی که فایده بیع را بدهد، احکام و شرایط بیع بر آن بار نمی‌شود. بنابراین نه اختیارات مختص به بیع مانند خیار مجلس و حیوان و نه حق شفعه، در آن جاری نمی‌شود، و در صورتی که به معاوضه طلا و نقره متعلق شود، قبض عوض و معوض در آن شرط نیست، و صلحی که فایده هبه را بدهد در آن قبض عین معتبر نیست آن گونه که در هبه معتبر است و هکذا بقیه موارد».

ارکان قرارداد صلح

۱. ایجاب و قبول:

قرارداد صلح به طور مطلق و در همه جا به ایجاب و قبول احتیاج دارد حتی در مواردی که فایده ابراء و اسقاطی بدهد که فی نفسه احتیاج به قبول ندارند.

۲. طرفین قرارداد

۳. متعلق صلح:

مصالح علیه یا مصالح عنه یا متعلق قرارداد صلح می تواند عین، دین، منفعت یا حق باشد و هر یک از آنها می تواند به صورت با عوض یا بدون عوض باشد، همه این صورتها صحیح است.

احکام صلح

۱. لزوم صلح: قرارداد صلح از دو طرف لازم است و جز با اقاله یا خیار، فسخ نمی شود، حتی در صلحهایی که فایده عقود جایزه چون هبه را داشته باشد.

۲. جریان اختیارات در صلح: تمام اختیارات به جز خیار مجلس، خیار حیوان و خیار تاخیر که از احکام اختصاصی قرارداد بیع است، در قرارداد صلح جاری است و در ثبوت ارش، اقوی عدم ثبوت آن است.

۳. جریان ربا در صلح: اگر به مقدار عوضین جهل داشته باشند و در حالی که احتمال زیاد بودن یک طرف را می دهند مصالحه کنند صحیح است.

۴. صلح دین به دین: در همه حالات مختلف تا زمانی که منتهی به ربا نشود صلح صحیح است.

۵. صلح بر مبلغ دین: صحت صرف نظر از بخشی از بدهی در مقابل پرداخت زودتر از سررسید.

۶. صلح بر سود و زیان: در قرارداد شرکت، جایز است دو شریک صلح کنند بر این که سرمایه از یکی از آنان و سود و زیان برای دیگری باشد.

۷. صلح برای بعد از فوت

جمع بندی قرارداد صلح

تا زمانی که صلح منتهی به حلال کردن حرامی یا حرام کردن حلالی نباشد جایز است. صلح، شرایط اختصاصی قراردادهایی چون بیع، اجاره، جعاله، شرکت، مضاربه و... را ندارد هر چند که می تواند آثار و فواید آنها را داشته باشد، بنابراین می توان:

۱. در مواردی که قرارداد، عقد یا ایقاعی جایز است و طرفین می خواهند لازم باشد می توانند مفاد آن قرارداد را از طریق صلح انشا کنند. برای مثال می توان مفاد قراردادهای جعاله (پیمانکاری) مضاربه و شرکت را به صلح انشا کرد.

۲. در مواردی که به جهت نبود یکی از شرایط خاص، قراردادهای معین باطل می شود می توان مفاد آن را به قرارداد صلح انشا کرد برای مثال می توان موارد بیع دین به دین، کالی به کالی، بیع سلف قبل از سر رسید، بیع سلف بدون قبض کل ثمن در مجلس عقد، بیع نقدین بدون قبض فی المجلس، مضاربه با سرمایه غیر نقدی، و... را به قرارداد صلح انشا کرد.

۳. در مواردی که ماهیت قرارداد از جهت عقد یا ایقاع بودن و از جهت لازم یا جایز بودن و از جهت نوع معامله مبهم است مانند قرارداد استصناع و قرارداد مضاربه در غیرمورد تجارت (سرمایه از کسی و کار از کسی دیگر در بخش



صنعت، کشاورزی، مسکن، معدن و خدمات) می توان از قرارداد صلح استفاده کرد. برای مثال بجای قرارداد استصناع که محل اختلاف بین فقها است از مصالحه برای ساخت کالای معین در مقابل بهای معین استفاده کنند یا در مضاربه که از جهت توسعه محل اختلاف است از مصالحه ترکیب کار و سرمایه در بخش صنعت استفاده کنند



کانون کارگزاری بورس واورق بھادار

بورس بازی در بازار سهام از دیدگاه اسلام

علی صالح آبادی

چکیده:

بورس بازی فعالیتی است که بورس باز دارایی سهام را بدون قصد نگهداری و با پذیرش ریسک خریداری کرده و به دنبال کسب سود از مابه التفاوت قیمت در کوتاهترین زمان ممکن می‌باشد. در این مقاله ضمن بررسی ماهیت بورس بازی و شقوق مختلف آن، مسائل فقهی و شرعی مربوط به بورس بازی تحلیل گردیده و جواز عملیات بورس بازی در صورتی که در چارچوب معاملات اسلامی صورت پذیرد تأیید گردیده است.

مقدمه:

بورس بازی [۱] از نظر لغوی به معانی "تأمل، تصور، حدس و گمان، پیش بینی قمار و سفته بازی" آمده است. [۲] بورس بازی از نظر اصطلاحی به خطر انداختن کالا یا سرمایه در مواجهه با یک عدم اطمینان است که معمولاً تصمیم گیری در شرایط حدس و گمان صورت می‌گیرد. در این اصطلاح بورس بازی نوعی فعالیت اقتصادی است که به هدف دستیابی به سود از طریق پیش بینی تغییرات قیمت سهام انجام می‌شود. انگیزه اصلی بورس بازان کسب سود به هر طریق ممکن است. پر واضح است که درجه‌ای از بورس بازی در تمامی تصمیمات انسانی وارد می‌شود. در این صورت هر تصمیم در شرایط ریسکی بورس بازی محض نبوده و شریعت اسلامی با آن مخالف نیست. در این مقاله ضمن بررسی جنبه‌های مختلف بورس بازی، مسائل فقهی و شرعی آن مطرح شده و موارد مجاز و غیر مجاز بورس بازی در بازار سهام از دیدگاه اسلام مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

بررسی ماهیت بورس بازی:

بورس باز دارایی را بدون قصد نگهداری با پذیرش ریسک خریداری کرده و به دنبال کسب سود از مابه التفاوت قیمت در کوتاهترین زمان ممکن می‌باشد. بر اساس پذیرش درجه و نوع ریسک و قصد خرید سهام و اعمالی که جهت کسب سود انجام می‌دهند می‌توان میان بورس بازی اعتراض آمیز و غیر اعتراض آمیز تمییز قائل شد. در این مقاله منظور از بورس بازی اعتراض آمیز نوعی از بورس بازی است که با شریعت اسلامی سازگار نیست و بورس بازی غیر اعتراض آمیز نوع از بورس بازی است که با شریعت اسلامی مطابقت دارد.

سرمایه گذاران در بازار سهام را می‌توان به دو گروه بزرگ تقسیم نمود. (Samuelson, 1958, p.428) دسته اول سرمایه‌گذارانی هستند که بعد از بررسی دقیق توانایی مالی شرکتها بر اساس اطلاعات قابل اعتماد در خصوص فاکتورهای اساسی شامل دارایی‌ها و عملکرد شرکت سرمایه‌گذاری می‌کنند. این نوع سرمایه‌گذاری را بورس بازی منطقی و عقلایی می‌نامند (Man, 1993, p.p18-20) که در مجموع برای رشد اقتصادی کشور مفید

است. در ادبیات مالی این دسته از معامله‌گران را در بازار سهام سرمایه‌گذاران می‌گویند و ما

نیز این نوع فعالیت را سرمایه‌گذاری می‌نامیم. دسته دوم کسانی هستند که درصدد کسب سود سریع و آسان و بدون زحمت هستند بواسطه این شیوه رفتار، بعضی مواقع سود می‌برند بعضی وقتها نیز متحمل زیان می‌شوند. ایندسته (ساموئلسون نام این گروه را ناظرین روز به روز و ساعت به ساعت بازار سهام می‌نامد) (Samuelson, 1958, p.p 428-9) می‌فروشند و می‌خرند و یا بر عکس و در این فرآیند خرید و فروش که باعث حرکت بازار می‌شود هیچگونه مطالعه یا تحلیلی در خصوص سهام شرکتی که سهام آن را خرید و فروش می‌کنند انجام نمی‌دهند. حداکثر کاری که این افراد انجام می‌دهند بررسی و مطالعه روند تغییر قیمتها و تمایل بازار می‌باشد. بعضی مواقع نیز پایه و اساس تصمیم‌گیری آنها جهت خرید و فروش سهام شایعات فراگیر بازار می‌باشد. (Man, 1994, p.p22-24) که این دسته در مقایسه با سرمایه‌گذاری، بورس بازی کورکورانه نامیده می‌شود.

واقعیت بازار سهام مدرن این است که میزان بورس بازی کورکورانه بیشتر از بورس بازی منطقی است و این نوع بورس بازی در بازار مسلط است. (Khan, opcit, pp87-8) بعضی وقتها در معاملات پیچیده‌تر قضاوت بورس بازانه تحت تأثیر شانس که نوع خاص از قمار بازی می‌باشد قرار دارد. (Samuelson, 1958, p 429) از نظر (Cobbett) توصیف این نوع بورس بازی به قمار بازی تجاری منطقی می‌باشد (Simpson) البته این امر به موفقیت روی اعداد مطلق و تکرار معاملات بستگی دارد. بنابراین بورس بازان سهام خود را برای کوتاهترین زمان ممکن نگهداری می‌نمایند. هر چه تعداد معاملات بیشتر باشد فرصت بیشتری برای کسب سود فراهم می‌شود به شرط اینکه بورس بازی بر اساس روند تغییر قیمت و به صورت دقیق انجام شود. اگر چه ممکن است نوسان قیمت خیلی کم باشد. اما تکرار فرآیند خرید و فروش عامل اصلی کسب منفعت برای بورس بازان است. (Aubrey, 1896, pp 44-5) خرید فوری و به موقع سهم در زمانیکه قیمتها پایین هستند و فروش سریع هنگامی که قیمتها در حال نزول هستند و تکرار این فرآیند برای همیشه رمز موفقیت بورس بازان است. اگر قانونی برای راهنمایی در خصوص این نوع شیوه تجارت وجود داشته باشد قوانین آن بسیار کم و محدود است، که به شرایط زمانی، موقعیت مربوطه، خلق و خوی شخص، دقت بورس بازان، چگونگی برداشت ایشان از روند بازار بستگی دارد اصل کلی بورس بازان می‌گوید: بیاید سود ببریم و حتی الامکان در فاصله زمانی کوتاه هم این سود را ببریم هر چند که سود حاصله سود زیادی نباشد اما بهتر از کسب یک بار سود زیاد بعد از گذشت زمانی طولانی می‌باشد. (Aubrey, 1896, p111) در مجموع هدف ایشان کسب سود کم ولی سریع (در فواصل زمانی کوتاه) می‌باشد. (Aubrey, 1896, p112) بنابراین بورس بازان می‌بایستی بصورت فعال و پیوسته مشغول خرید و فروش سهام باشند. بورس بازان هر آنچه که دارند را می‌فروشند، اما علاوه بر آن گواهی سهام دیگران را نیز قرض می‌گیرند تا به سود حاصل از پیش بینی تغییر قیمت سهام جامه عمل بپوشانند. این کار نه تنها در هنگام بالا رفتن قیمت سهام بلکه در هنگام سقوط قیمتها در اصلاح بازار در هنگامی که بازار روند نزولی دارد نیز انجام می‌گیرد. شایان ذکر است از آنجا که سود بورس بازان از تفاوت قیمت زمان خرید و زمان فروش بدست می‌آید آنها به سود تقسیم شده شرکت (سود تجاری که توسط شرکت فروشنده سهام پرداخت می‌شود) توجهی نمی‌کنند تا وقتی که قیمت سهام تغییر کند و این قیمت برای بورس بازی مورد داشته باشد آنها به سرعت اقدام به فروش سهام می‌کنند. هدف اصلی این نوع بورس بازی بدست آوردن سود حاصل از نوسانات قیمت بدون هیچگونه قصد سرمایه‌گذاری می‌باشد (Rix, 1965, p208) این سود که از این طریق کسب می‌شود سود سرمایه (Capital Gain) نامیده می‌شود که با سودی که مقصود سرمایه‌گذار واقعی بوده و سود

تجاری یا همان سود تقسیم شده (Business Gain) نامیده می‌شود متفاوت است.

هدف از مشارکت بورس بازان در بازار سرمایه پویا کردن بیشتر بازار و افزایش قدرت نقد شوندگی سهام می‌باشد. بنابراین گفته می‌شود که بورس بازان تنها و تنها در پی کسب سود حاصل از نوسان قیمتها، خرید و فروش چیزهایی که نه می‌توانند آنها را مصرف کنند و نه می‌توانند در تجارت خود از آن استفاده کنند و برای انجام آن هیچ کاری انجام نداده‌اند و هیچ ارزشی به آن نیفزوده‌اند می‌باشند. (Rix, 1965, p208)

بورس بازی و بحرانهای مالی (Salamon, 2000, pp 103-126)

نقش بورس بازی در تاریخ بحرانهای مالی و رکود بازار مورد قبول همگان است و می‌توان سابقه آن را در اوایل قرن هفدهم جستجو کرد. کیندلبرگر (Kindleberger) مطالعات وسیعی در خصوص تاریخ بحرانهای مالی و ارتباط این بحرانها با فعالیت بورس بازی انجام داده است. هر چند که عوامل عدیده ای باعث بروز این گونه بحرانها می‌شوند اما بدون شک بورس بازی جزء یکی از مهمترین آنها می‌باشد. در ادامه مقاله بمنظور روشن شدن بیشتر این مطلب بحرانهای مالی بورس اوراق بهادار نیویورک در سال ۱۹۲۹ و بحران مالی اخیر مالزی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱- بحران مالی بورس اوراق بهادار نیویورک (NYSE)

سقوط اقتصاد ایالات متحده در دهه ۱۹۳۰ بدنبال بحران مالی بورس اوراق بهادار نیویورک به وقوع پیوست. این بحران اقتصادی، جهان را تحت تأثیر خود قرار داد و بیشترین ضربه را بر کشورهای کوچکتر و کمتر توسعه یافته وارد نمود. کشورهایی که اقتصاد آنها مبتنی بر مواد اولیه بود با کاهش شدید قیمت محصولات خود مواجه شدند در حالیکه کشورهای صنعتی با نرخهای بیکاری دست به گریبان گردیدند. علت اصلی بحران مالی بورس نیویورک غیر قابل کنترل بودن و متغیر بودن قیمت سهام این بازار بود که بواسطه فعالیت بورس بازی ایجاد شده بود. در یک زمان کوتاه قیمت سهام معامله شده به حداکثر میزان خود می‌رسید و سپس به گونه‌ای غیر قابل انتظار و در زمانی بسیار کوتاه قیمت شکسته می‌شد. شاخص بورس نیویورک در مرحله اول این رکود (سال ۱۹۲۹) ۳۶٪ سقوط کرد. دوباره بین سالهای ۱۹۳۰ و ۱۹۳۲ بعد از اینکه سهام نیمی از ارزش خود را از دست رفته خود در مرحله اول را بازیافتند ۸۰٪ دیگر نیز سقوط کرد. با اینحال بدترین دوره سال ۱۹۳۳ بود زمانیکه بیش از سه سال درآمد ملی آمریکا به نصف کاهش یافت، نرخ سرمایه‌گذاری به گونه‌ای کاهش یافت که نرخ سرمایه‌گذاری خالص منفی شد، از هر سه کارگر یک نفر بیکار شد و تمام سیستم بانکی سقوط کرد. وضعیت بازار سهام قبل از سقوط بازار بورس نیویورک بسیار مغشوش و نابسامان بود. سرمایه‌گذاران همچون بورس بازان هر آنچه که در بازار بود را می‌خریدند که همین امر باعث افزایش شدید قیمت سهام می‌شد. بعد از آن وقتی که قیمتها به اوج خود رسید هزاران سرمایه‌گذار خصوصاً سرمایه‌گذاران جزء و بورس بازان هنوز مشتاق خرید باقیمانده بازار بودند. در حالیکه بورس بازان قدر و حرفه‌ای قبلاً شروع به فروش سهام خود کرده بودند. آنها به قیمت از دست رفتن سرمایه بورس بازان کوچک و سرمایه‌گذاران، سود قابل توجهی را کسب کردند. سرمایه‌گذاران و بورس بازان خرد اولین قربانیان ویرانی حاصله بودند و بورس اوراق بهادار نیویورک دچار هرج و مرج و از هم پاشیدگی شد میلیونها دلار در این حادثه اقتصادی غم انگیز اوایل قرن بیستم از دست رفت. شکست اقتصاد آمریکا در طول این دوره نه تنها بورس بازان و قماربازان را تحت تأثیر خود قرار داد بلکه میلیونها نفر از

سرمایه‌گذاران کوچک نیز در سال ۱۹۲۹-۱۹۳۳ تحت تأثیر این حادثه قرار گرفتند.

ساموئلسون می‌گوید: هر ماه میلیاردها دلار از ارزش اوراق بهادار از بین رفت که نه تنها سرمایه قمار بازان (حاصل از فعالیت بورس بازی) را از بین برد بلکه سرمایه زنان بیوه‌ای را که به امید کسب درآمدی ثابت پول خود را در این بازار سرمایه گذاری کرده بودند را نیز تلف کرد. سهام خوبی همچون سهام فولاد ایالات متحده از حداکثر ۲۶۱ دلار در سال ۱۹۲۹ به حداقل ۲۱ دلار در سال ۱۹۳۳ رسید. این در حالی بود که سهامی که از قدرت بالایی برخوردار نبودند از تابلو بکلی حذف شدند.

همانطور که مورد توافق اقتصاددانان قرار گرفت مهمترین علت این بحران فعالیت بورس بازی بوده است که در آن زمان کنترل بازار بورس نیویورک را در دست گرفته بود و باعث سقوط این بازار شد. بورس بازی باعث نوسان غیر منطقی و آشفته قیمت سهام گردید. به گونه‌ای که طی چند روز قیمت سهام به اوج خود می‌رسید و سپس ناگهان به پایین‌ترین حد خود نزول میکرد. در پی این تجربه تلخ به فعالیت بورس بازان در بازار سهام توجه بیشتری شد. گالبرایت (Galbraith) می‌گوید: از سال ۱۹۲۹ به بعد قوانین زیادی برای صادقانه‌تر کردن بورس بازی در بازار سهام تصویب کرده‌ایم و امید می‌رود که این قوانین بتواند موثر واقع شوند.

۲- بورس بازی و بحران مالی مالزی:

در بسیاری از بحرانهای اقتصادی گذشته نقش بورس بازان به عنوان یکی از عوامل بروز بحران ثابت شده است. در تمامی این بحرانها الگوی ثابتی وجود دارد اولاً، قیمت اقتصادی باعث ایجاد فعالیتهای گسترده بورس بازی می‌شود. سپس این فعالیت بورس بازی منجر به ایجاد وضعیت هرج و مرج و در پایان بدون اینکه چاره‌ای وجود داشته باشد باعث سقوط بازار می‌گردد. بعد از جنگ جهانی اول وقتی که ایالات متحده به سطح بالایی از موفقیت اقتصادی رسید و بریتانیای کبیر به عنوان ابرقدرت اقتصادی جدید را پشت سر گذاشت مردم تاریخچه وقایع غم انگیز اقتصادی را فراموش کردند. در همین هنگام هیچگونه کنترلی بر روی فعالیت بورس بازان خصوصاً بر روی معاملات اعتباری در بورس نیویورک نبود.

دومین مرحله آشفته‌گی بورس بازی بر بازار چیره شد و باعث بدتر شدن وضعیت ضعیف قبلی گردید. این امر باعث شد که قیمت‌های ناپایدار به شدت سقوط کنند. همین الگو را می‌توان در رویدادهای اخیر شرق آسیا و خصوصاً مالزی ملاحظه کرد.

همانگونه که یکی از بورس بازان تأیید می‌کند نخست وزیر مالزی شدیداً معتقد است که افرادی هستند که با مهارت فراوان با دست به دست کردن رینگیت (واحد پول مالزی) و یا بازی کردن در بازار بورس کوالالامپور (KLSE) سودهای فراوانی کسب می‌کنند. کاملاً روشن است که با وجود رشد اقتصادی تقریباً ۹ درصدی مالزی در مدت ۹ سال پیاپی که انتظار می‌رود باعث افزایش ارزش پول مالزی شود اما بگونه‌ای تعجب آور و با وجود این رشد پایدار و قابل توجه اقتصادی ارزش رینگیت و سهام بازار بورس کوالالامپور سقوط کرد. این کاهش ارزش پول مالزی نمی‌تواند به خودی خود اتفاق بیفتد. بلکه بایستی عامل یا کسی باعث ایجاد آن شده باشد.

نقش بورس بازان خارجی و بین‌المللی در بحران مالی شرق آسیا به فراوانی تصدیق می‌شود.

کوپن واتکینز از آکسفام (Oxfam) انگلستان معتقد است که به قدرت رساندن اقتصادی ببر

آسیا (Asia Tiger) بواسطه عملکرد بورس بازان بوده است مطرح کردن موضوع دخالت و نقش عمده صندوق کوانتوم سرس [۳] (Soros Quantum) در بروز بحران مالی شرق آسیا مورد حمایت اقتصاددانان و سرمایه گذاران زیادی می باشد.

ویلیام شاکراس (William shawcross) به صورت غیر مستقیم استنتاج می کند مشارکت سرس باعث بروز بحران مالی و اقتصادی آسیا شد. صندوق سرس بصورت ضمنی باعث بروز بحران مالی تایوان هم شده است. در اواسط اکتبر سال ۱۹۹۷ عملکرد بورس بازان که توسط صندوق سرس صورت گرفته بود باعث ایجاد نوعی وحشت در فروش سهام شد و همین امر به گونه ای غیر منتظره شاخص بازار سهام تاییه و ارزش پول تایوان را به شدت کاهش داد. پیتر بروک (Peter Brooke) موسس شرکت بین المللی ادونت (Advent International) اولین شرکت جهانی صنعت سرمایه گذاری به نقش مستقیم سرس در بحران مالی شرق آسیا اطمینان کامل دارد. او معتقد است سرس تبهکار اصلی بروز این بحران است. ثبات ارزش پول هر کشور یکی از حیاتی ترین عوامل موفقیت اقتصادی آن بشمار می رود. بنابراین عدم ثبات ارزش پول نتیجه معکوس را در بردارد. عدم ثبات ارزش پول باعث تخریب اقتصاد کشور و از بین رفتن اعتماد سرمایه گذاران داخلی و خارجی می شود. در طول مدت بحران مالی شرق آسیا تقریباً ۲۰ میلیارد رینگیت سرمایه مالزی متعلق به سپرده گذاران داخلی از بانکهای داخلی به بانکها و موسسات مالی خارجی خصوصاً سنگاپور انتقال یافت.

معاملات اعتباری در بورس اوراق بهادار کوآلامپور یکی از مشهورترین مبادلات بورس بازی می باشد که در بازارهای مدرن سهام انجام می گیرد که برای بورس بازان این امکان را فراهم می آورد تا با یک مقدار ثابت سرمایه خود و به منظور کسب سود بیشتر و با ریسک زیان بالاتر سهام بیشتری را خریداری نمایند. این نوع از مبادله معمولاً در هنگام رونق بازار (Bull market) یعنی هنگامیکه قیمت سهام روبه افزایش می باشد صورت می گیرد. هنگامیکه بورس بازان حسابهای اعتباری (Margin Accounts) را ترک می کنند، نشانگر این مطلب است که بورس بازان دیدی منفی نسبت به آینده بازار دارند که این حالت در هنگام بروز بحرانهای اقتصادی رخ می دهد.

مشهورترین مثالی که در این خصوص می توان به آن اشاره کرد بحران سال ۱۹۲۹ بورس نیویورک در بحران اخیر کشور مالزی است. بورس بازان در طول مدت پیشرفت و رونق اقتصادی اواخر دهه ۱۹۸۰ در انجام معاملات اعتباری زیاده روی کردند شاخص سهام بورس کوآلامپور بصورت مداوم بالا رفت و تنها در اواخر سال ۱۹۹۳ وقفه کوتاهی داشت. وجود این بازار پر رونق بورس بازان را بر انجام فعالانه معاملات خصوصاً معاملات اعتباری ترغیب کرد. با این حال بروز یک آشفتگی ناگهانی باعث تبدیل این بازار پر رونق به بحران ژوئیه ۱۹۹۷ گردید و عملکرد قابل تقدیر گذشته شاخص بورس کوآلامپور شروع به تنزل کرد.

بورس بازان غافلگیر شده بودند. وقتی که بحران ادامه یافت آنها چاره ای نداشتند جز اینکه برای نجات حسابهای اعتباری خود و به این امید که این بحران وقفه موقتی دیگری در بازار خواهد بود پول بیشتری را به بازار تزریق کنند. ولی بزودی متوجه شدند که این بحران یک وقفه موقتی و زودگذر نیست. بلکه این واقعه بحرانی است که نه تنها به بورس اوراق بهادار کوآلامپور بلکه به دیگر بخشهای اقتصادی مالزی نیز ضربه می زند. وقتی که بورس بازان بروز بحران را تایید کردند بازار به میزان زیادی ارزش خود را از دست داده بود و آنها دیگر قادر به انجام خرید اعتباری نبودند. این وضعیت توسط نخست وزیر مالزی نیز تایید گردید.

شقوق مختلف بورس بازی

با توجه به بیان ماهیت بورس بازی و تجربه بحرانهای مالی بازارهای سهام، بورس بازی در برگیرنده شقوق عمده زیر است:

- ۱- تصمیم گیری در انجام معاملات پر ریسک است.
 - ۲- سرمایه گذاری برای مدت بسیار کوتاه است. آنان به دنبال کسب سود آنی و سریع هستند.
 - ۳- اتخاذ تصمیم بر اساس شایعات صورت می گیرد (البته به این معنی نیست که اینان تحلیل نمی کنند بلکه در بعضی مواقع تحلیل‌های چارتیستی دقیقی انجام می دهند ولی یکی از شقوق بورس بازی تصمیم گیری بر اساس شایعات است)
 - ۴- بورس بازان قصد نگهداری دارایی راندارند بلکه به قصد کسب سود از مابه التفاوت قیمت خرید و فروش هستند.
 - ۵- تصمیم گیری در شرایط جهل است و نسبت به اوراق خریداری شده جهل وجود دارد.
 - ۶- سرمایه گذاری مبتنی بر بخت و شانس صورت می گیرد.
 - ۷- تحلیل بورس بازان روی روان سرمایه گذاران است و پیش بینی آنان مبتنی بر تکرار روند گذشته قیمت‌های سهام می باشد. تصمیمات بورس بازی پشتوانه و بنیاد محکمی ندارد.
- هدف اصلی بورس بازان کسب سود آنی و سریع در مدت زمانی کوتاه است. بنابراین برخی از بورس بازان جهت دستیابی به اهداف، اعمال ناپسندی را انجام می دهند که دارای شقوق زیر است:
- ۱- بورس بازان با دستکاری قیمت‌ها از طریق مکانیسم عرضه و تقاضا، قیمت سهام را به سمت قیمت غیر حقیقی و غیر واقعی سوق می دهند که به دستکاری قیمت‌ها در بازار (manipulation) معروف است.
 - ۲- تبانی و اشاعه اخبار و اطلاعات کذب جهت افزایش و یا کاهش مصنوعی قیمت سهام در بازار انجام می دهند.
 - ۳- معاملات صوری در بازار جهت رسیدن به منافع خود انجام می دهند. آنان قیمت‌ها را در بازار بی ثبات و نامطمئن می سازند.
 - ۴- معاملات مبتنی بر اطلاعات داخلی که در اختیار همگان قرار نگرفته است صورت می گیرد. در صورتیکه آن اطلاعات داخلی در اختیار همگان قرار گیرد مطمئناً و با یقین قیمت سهام تغییر قابل ملاحظه‌ای می یابد. در این صورت در یک رقابت ناعادلانه فردی درآمد کسب می کند.
- بورس بازی ممکن است همه شقوق فوق را در بر گیرد و ممکن است برخی از موارد را شامل نشود.

بررسی بورس بازی از دیدگاه اندیشمندان اسلامی

بورس بازی از دیدگاه شهید مطهری

- وی دو عامل را توأم منشأ ارزش می دانند (مطهری، مرتضی، (صص ۱۰۹-۵۱):
- ارزش هر شیء ناشی از اثری است که بر آن شیء مترتب است.
 - ندرت و تحت انحصار بودن شیء.

ایشان تساوی ارزش را با کار مردود دانسته‌اند به نظر استاد کار علت و ایجاد کننده ارزش است نه این که مساوی با ارزش است. ارزش هر شیء ناشی از اثری است که در آینده بر آن شیء مترتب می‌شود نه علتی که آن را ایجاد کرده است خواه آن علت کار باشد و خواه چیز دیگر. البته اثر داشتن به تنهایی علت ارزش نمی‌باشد ندرت و تحت انحصار بودن نیز در ارزش موثر است در این میان کار هم یکی از علل ایجاد ارزش است نه علت منحصره بنابراین اصل ارزش ناشی از مفید بودن است که مبدأ و منشأ تقاضا است بعلاوه ندرت وجود و کمیابی. استاد مطهری با انتساب نوسانات ارزش و یا قیمت به عرضه و تقاضا می‌گوید ارزش و قیمت و مالیت و بها یا هر چه دیگر اسم بگذاریم، نوساناتی پیدا می‌کنند و مسلماً این نوسانات مربوط به مفید بودن نیست. درجه مفید بودن نوسان پیدا نمی‌کند عرضه و تقاضا در مفید بودن تأثیری ندارد ولی در ارزش و قیمت اثر دارد بنابراین بر اساس نظریه استاد مطهری قیمت نماینده ارزش است و آن هم بر اساس عرضه و تقاضا تعیین می‌شود. در بازارهای مالی عرضه و تقاضا هر لحظه تغییر کرده و بر اساس آن قیمت در بازار نوسان می‌کند بنابراین با نظر به دیدگاه استاد انجام معاملات سهام در بازارهای بورس و سود بردن از نوسانات قیمت با توجه به اینکه عرضه و تقاضا تعیین کننده ارزش است مانعی ندارد و چنین سودی مشروع است. بنابراین اگر فردی سهامی را خریداری نموده و سپس افزایش قیمت سهام صورت گیرد و سپس وی اقدام به فروش نماید سودی کسب کرده است هر چند زمان نگهداری سهام کوتاه باشد سود حاصل از این معامله صحیح است زیرا افزایش قیمت سهام تحت مالکیت وی تحقق یافته است و مالک اصلی مال و افزایش آن است بر این اساس خرید و فروش سهام به منظور کسب درآمد از تغییرات قیمت سهام و استفاده از فرصتهای موجود در بازار مالی اسلامی جایز است گرچه ملزم تولید خدمت نیز نباشد.

بورس بازی از دیدگاه سید موسی صدر (صدر، سید موسی، صص ۳۱-۱۷)

سید موسی صدر در کتاب "اقتصاد در مکتب اسلام" می‌گوید: بایک مطالعه سطحی درباره اشیاء مختلف این طور درک می‌کنیم که ارزش به دو عامل زیر بستگی دارد:

- احتیاج اقتصادی نسبت به آن
 - کمی و فراوانی آن در طبیعت به عبارت دیگر در دسترس بودن آن.
- وی می‌گوید که عامل تعیین کننده ارزش عرضه و تقاضا است که به معنی وسیع کلمه ارزش را معین می‌کند. وی در خصوص نقش کار در ارتباط با ارزش می‌گوید: "کار به تنهایی نمی‌تواند در تولید ثروت و ماده ارزش دار نقشی بعهده داشته باشد، بلکه این طبیعت است که ماده اصلی ثروتها محسوب می‌شود و چون کار بر روی آن انجام پذیرفت ثروت و شیء ارزنده متولد می‌شود.

در این دیدگاه نیز عرضه و تقاضا عامل تعیین کننده ارزش معرفی می‌شود که با نظریه استاد مطهری همخوانی دارد. [۴]

بررسی فقهی بورس بازی با توجه به قاعده اکل مال به باطل

آیه شریفه "أحلّ الله البيع" [۵] و نیز آیه شریفه "لا تأکلوا أموالکم بینکم بالباطل إلا أن تكون تجارةً عن تراضٍ منکم" [۶] دارای اطلاق هستند. بعنوان مثال اگر شخصی سهام را به قصد افزایش قیمت خریداری نماید و پس از

افزایش قیمت سهام در مدت زمان بسیار کوتاه سهام را در بازار به فروش می‌رساند و از این بابت سود کسب می‌کند. خرید سهام در این مثال بیع تجارتي است که با رضایت دو طرف انجام شده و فروش آن نیز مصداق بیع و تجارت عن تراض است.

بعضی اشکال می‌کنند که فرد در برابر سودی که کسب کرده است کاری انجام نداده از این رو مصداق اکل مال به باطل است که در آیه دوم از آن نهی شده است. این مطلب درست نیست. از نظر قواعد زبان عربی، "باء" در کلمه بالباطل یا باء سببیت است یا باء مقابله. اگر باء سببیت باشد، مفهوم آیه چنین می‌شود:

اموالتان را میان خود به سبب باطل نخورید. عبارت دیگر، در اموال یکدیگر از طریق "سبب باطل" یعنی معامله‌ای که از نظر شرعی باطل است تصرف نکنید. اگر باء مقابله باشد معنی آیه اینگونه است:

اموالتان را میان خود، در مقابل امر باطل نخورید. در این صورت آیه شریفه شامل معاملاتی می‌شود که در آنها کسی مالی را از دیگری تملک کند و در مقابل آن عوض ارزشمندی به صاحب مال ندهد. در خرید و فروش سهام مثال مذکور دو معامله مستقل و مجزا از هم صورت گرفته است در هر دو معامله هم سبب شرعی است زیرا معامله سهام معامله‌هایی صحیح هستند و هم در هر یک از این دو معامله در برابر آن عوض ارزشمندی که همانا بخشی از مالکیت سهام یک شرکت است تملیک یا تملک می‌شود. منشا سود، افزایش قیمت بازار از زمان خرید تا زمان فروش است و چون افزایش قیمت در ملک وی صورت گرفته است حق اوست زیرا مالک عین، مالک مالیت و افزایش ارزش نیز هست.

همانطور که سابقاً بیان شد برخی شقوق بورس بازی شامل مفاهیم معاملات غرری و پرخطر و معاملات قمار می‌شود که در زیر به آن پرداخته می‌شود.

بررسی فقهی غرر و مطالعه تطبیقی آن با بورس بازی:

غرر از نظر لغوی به معنای خطر [۷] می‌باشد و به معنای در معرض هلاکت افتادن و فریب خوردن نیز می‌باشد. [۸] غرر از نظر اصطلاحی به معنای جهالت موضوع معامله از نظر مقدار، تعداد، متر، وزن، پیمانه و ... یا اوصاف جنس است. از این روی اگر حصول چیزی که مجهول است معلوم شود و یا فقط صفت آن مجهول باشد غرری نخواهد بود. در اصطلاح فقهاء معامله‌ای غرری است که مبیع یا ثمن در بیع و عوض یا معوض در هر معامله معاوضی در معرض خطر باشد یعنی احتمال نابودی آن عرفاً مورد التفات و توجه باشد.

غرر از نظر حقوقی بدین معناست که اگر کسی عقدی منعقد نماید و به یکی از جهات معامله جاهل باشد و از ناحیه آن جهل، برای او احتمال ضرری در بین باشد آن عقد غرری و باطل است.

براین اساس، غرر نقطه مقابل شفافیت و معلوم بودن میباشد، در همه معاملات طرفین علاقه دارند که روابط فیما بین آنها دوستانه و معقول باشد و هر یک در انجام تعهد با حسن نیت اقدام کنند یعنی طرفین معامله تمام حقایقی که در محدوده اطلاعات آنان قرار دارد در اختیار یکدیگر بگذارند، در حالی که در معامله غرری بالعکس می‌باشد.

امیر مومنان علی (ع) می‌فرماید: "إن الغرر عمل لا يؤمن معه الضرر [۹]" یعنی غرر کاری است که از زیان ایمن نباشد و طبق بیان حضرت رسول (ص) "نهی النبی عن الغرر" [۱۰] یعنی پیامبر مردم را از معاملات غرری نهی کرده است. لذا معامله غرری در اسلام باطل می‌باشد. از این قاعده نکات زیر استخراج می‌شود.

۱- علم به وجود عوضین شرط صحت معامله است. در معاملات مربوط به اوراق بهادار خریدار و فروشنده باید نوع سهام و قیمت آن را کامل بدانند که معمولاً چنین چیزی در بازار مالی وجود دارد.

۲- علم بر قدرت تسلیم و تسلیم شرط صحت معامله است. در معاملات سهام تسلیم و تسلیم از طریق اعمال در حساب طرفین صورت می‌گیرد و مانند سایر معاملات صحیح اسلامی چنین چیزی محقق می‌شود.

۳- علم به مقدار، جنس و وصف عوضین شرط صحت معامله است یعنی علم به آنچه که موجب اختلاف و تفاوت قیمت می‌شود شرط صحت معامله است. در بازار مالی تحقق چنین معامله‌ای مستلزم وجود اطلاعات لازم و کافی در بازار مالی جهت تصمیم‌گیری صحیح است.

در مورد معاملات غرری، تشخیص موضوع به عهده عرف است یعنی اگر در معامله‌ای، عرف غرر را منتفی دانست، حکم بر آن بار نمی‌شود و چنانچه عرف غرر را ثابت و محقق دانست خود به خود حکم معامله غرری موثر خواهد بود. در بازارهای مالی که اوراق مالی مبادله می‌شوند قیمت‌ها باید منعکس‌کننده کلیه اطلاعات در مورد آن دارایی باشند به عبارت دیگر بازار باید کاراً باشد [۱۱] در غیر این صورت افراد براساس حدس و گمان اقدام به معامله خواهند کرد و بعضاً برای کسب بازدهی بیشتر معامله مجهولی را انجام می‌دهند. با توجه به این توصیفات، اطلاعات عاملی است که بورس بازی مجاز را از معاملات غرری متمایز می‌کند، بنظر می‌رسد که عدم وجود اطلاعات یا کمبود آن در این زمینه باعث می‌شود که حد و مرز بین بورس بازی و معاملات غرری بسیار کم شود و این دو به یک معنی بکار روند.

اگر در بازار مالی معامله گران اوراق بهاداری را بازار گرمی کنند و اوراق بهادار خود را مدح کنند و یا اوراق بهادار دیگران را ذم کنند و تبلیغات مثبت و منفی در بازار ایجاد کنند و چنین معامله‌ای در شرایط جهل طرف مقابل صورت گیرد از نظر اسلامی قابل پذیرش نیست و درآمد حاصل از آن مشروع نیست. اگر تبلیغات سوء در بازار موجب غبن طرف معامله شود مغبون می‌تواند به غابن مراجعه کند. در بورس اسلامی تبلیغات کاذب وجود ندارد.

در بازار مالی اسلامی باید اداره نظارت بر بازار تمام اطلاعات را بنحو مناسبی جهت تصمیم‌گیری معامله گران در بازار افشاء نمایند بعبارتی بازار مالی اسلامی باید کاراً باشد.

شفافیت اطلاعاتی عاملی است که معاملات صحیح و اسلامی را از معاملات غرری متمایز می‌سازد. دلالتی و واسطه‌گری و مشاوره مالی در بازارهای مالی در صورتی مجاز خواهد بود که به شفافیت اطلاعاتی در بازار کمک کند. اگر عملیات این افراد در بازار یک طرف را متضرر و طرف دیگری را سود برساند و این عمل از روی جهل طرف مقابل و با سوء نیت صورت گیرد مشروع نیست.

در معاملات بازار مالی اسلامی تبانی نباید وجود داشته باشد بعنوان مثال اگر اوراق بهاداری در بازار وجود ندارد افراد نمی‌توانند با هم تبانی کنند و به واسطه انحصار آنان بر اوراق بهادار خاص، قیمت آن را به طور کاذب افزایش یا کاهش دهند.

بررسی فقهی قمار بازی و مقایسه تطبیقی آن با بورس بازی

قمار به خطر انداخت پول به امید کسب منفعت در جایی است که این امید بر پایه بخت و شانس و تصادف و اتفاقات غیر مطمئن استوار باشد و ریسک کردن به خودی خود ضرورتی نداشته باشد. قمار در حقیقت یک بازی ستیزه جویانه است که دو طرف به خاطر استفاده انحصاری با یکدیگر انجام می‌دهند و اصلاً حسن نیت در آن مطرح نیست. هر طرف به تصور اینکه بخت و شانس با او یاری خواهد کرد و برنده خواهد شد اقدام به عمل قمار می‌نماید و اگر بداند برنده نخواهد شد هرگز آن عمل را انجام نخواهد داد. در قمار بازی همواره یک طرف بازنده وجود دارد و طرفین خود را در معرض خطر از دست رفتن مال قرار می‌دهند این عمل در عرف جامعه کاری مذموم و ناپسند است.

در قمار طرفین بازی رهن و گرو می‌گذارند (سعیدی، ابوحیب، ص ۳۰۹) و یک نوع شرط بندی صورت می‌گیرد. از نظر تحلیلی قمار و شرط بندی از آنجا که بر اصول تجاری داد و ستد مشروع مبتنی نیست و با نظم اجتماعی مخالف است، باطل و نامشروع شناخته شده است و لذا هیچ تعهدی از آن ناشی نمی‌شود، از این رو ماده ۶۵۴ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران می‌گوید: "قمار و شرط بندی باطل و دعاوی راجع به آن مسموع نخواهد بود. همین حکم در مورد کلیه تعهداتی که از قمار تولید شده باشد جاری است." قرآن مجید ما را صراحتاً از شرط بندی و قمار بازی منع کرده است و این مطلب در آیات متعددی ذکر شده است که از آن به "المیسر" یاد شده است. خداوند تبارک تعالی می‌فرماید:

"یستلونک عن الخمر و المیسر قل فیهما اثم کبیر و منافع للناس و اثمهما اکبر من نفعهما... [۱۲]"

همچنین در آیه دیگری می‌فرماید: "یا ایها الذین آمنوا ان الخمر و المیسر و الانصاب و الازلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوا لعلکم تفلحون" [۱۳]

با توجه به توضیحات فوق در خصوص بورس بازی، وجوه تمایز بورس بازی و قمار بازی به شرح زیر است:

- ۱- قمار بازی یک نوع بازی باجمع صفر است یعنی یک طرف بازنده است و طرف دیگر به همان اندازه سود می‌برد در حالیکه در بورس بازی در بازار سهام اینگونه نیست.
- ۲- در قمار بازی طرفین رهن و گرو می‌گذارند در حالیکه در بورس بازی در بازار سهام گرو و وجود ندارد و شرط بندی صورت نمی‌گیرد.
- ۳- قمار و شرط بندی مبتنی بر عمل نامشروع است و در قالب معاملات مشروع اسلامی قرار نمی‌گیرد در حالیکه بورس بازی در بازار سهام یک معامله در قالب بیع صورت می‌گیرد و بکلی با قمار بازی متفاوت است. براین اساس اگر بورس بازی مبتنی بر بخت و شانس نیز صورت گیرد بدلیل اینکه سایر شرایط قمار بازی را دارا نمی‌باشد نمی‌تواند در قالب قمار بازی قرار گیرد و بنابراین بورس بازی در چارچوب معامله قمار قرار نمی‌گیرد.

جمع بندی و نتیجه گیری:

براساس این مطالعه معاملات بورس بازی از آنجا که در قالب عقد بیع صورت می‌گیرد و تمامی جوانب معاملات در آن صورت می‌گیرد از لحاظ شرعی مانعی ندارد و بورس بازی غیر اعتراض آمیز می‌باشد. ولی برخی جنبه‌های بورس بازی به شرح زیر مشروع نیست و درآمد کسب شده از آن بابت قابل تملک نیست که بورس بازی اعتراض آمیز است:

- ۱- دستکاری قیمت سهام و سوق دادن قیمت به سوی قیمت ناعادلانه



- ۲- جهل در معاملات سهام
 - ۳- غرر در معاملات سهام
 - ۴- تبانی در معاملات سهام
 - ۵- اشاعه کذب و ارائه اطلاعات غلط و گمراه کننده
 - ۶- انجام معاملات صوری و دستکاری ناعادلانه بازار
 - ۷- معاملات مبتنی بر اطلاعات داخلی در صورتی که موجب غبن طرف مقابل شود.
- نتایج حاصل از این تحقیق در جدول زیر بصورت خلاصه ارائه گردیده است.

یادداشت‌ها:

* عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق (ع)

[۱] speculation

[۲] فرهنگ، منوچهر، "فرهنگ بزرگ علوم اقتصادی" جلد اول، سال ۱۳۷۱، ص ۷۵۸.

[۳] آقای سرس یکی از بورس بازان معروف و حرفه ای در سطح دنیاست.

[۴] شهید سید محمد باقر صدر در کتاب «اقتصادنا» بورس بازی را مجاز نمی‌دانند ایشان تجارت را شعبه‌ای از تولید می‌دانند و معتقدند سودی که از خرید و فروش بدست می‌آید باید نتیجه خدمتی باشد که تاجر آن را تولید می‌کند و صرف نقل و انتقال ملکیت بدون تولید خدمت مجوز سود بردن نمی‌باشد. برای مطالعه بیشتر به منبع زیر مراجعه شود: صدر، سید محمد باقر، "اقتصادنا"، مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۵، صص ۶۴۵-۵۵۸.

[۵] بقره/ ۲۷۵.

[۶] نساء/ ۲۹.

[۷] منبع شماره ۹ فارسی به نقل از «منتهی العرب فی لغت العرب»، ص ۹۱۲.

[۸] منبع شماره ۹ فارسی به نقل از «أقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد»، ج ۲، ص ۸۶۷.

[۹] منبع شماره ۹ فارسی به نقل از «جواهر، بیع، باب غرر».

[۱۰] همان منبع سابق.

[۱۱] برای مطالعه بیشتر در مورد شرایط بازار مالی کاراً به منبع زیر رجوع کنید.

جهانخانی، علی و عبده تبریزی، حسین؛ "نظریه بازار کارآی سرمایه" تحقیقات مالی، سال اول، شماره اول، زمستان ۱۳۷۲، ص ۷.

[۱۲] بقره/ ۲۱۹.

[۱۳] مائده/ ۹۰.



نوع معامله / معیارها	افق زمانی	تحلیل سهام	انگیزه سرمایه گذاری	درجه ریسک	قصد خرید سهام	برخی جنبه های معاملات
سرمایه گذاری	میان مدت و بلندمدت	تحلیل بنیادین	کسب سود سهام و افزایش ارزش سرمایه ای	ریسک معقول	نگهداری سهام	انجام معامله به قیمت عادلانه / عدم جهل و غرر در معاملات / عدم تبانی / ارائه اطلاعات درست و شفاف کردن بازار / معاملات واقعی و اجتناب از معاملات صوری / معاملات مبتنی بر اطلاعات صحیح بازار
بورس بازی	کوتاه مدت	تحلیل چارتیستی	کسب سود از مابه التفاوت قیمتها	پرمخاطره	عدم نگهداری سهام	دستکاری قیمتها / جهل و غرر در معاملات / تبانی / اشاعه کذب و ارائه اطلاعات غلط و گمراه کننده / معاملات صوری / معاملات مبتنی بر اطلاعات داخلی در صورتی که موجب غبن طرف مقابل شود.
مطابقت با شرع مقدس	بلاشکال	بلاشکال	بلاشکال	بلاشکال	بلاشکال	شقوق فوق از بورس بازی مخالف شرع مقدس اسلام است (البته ممکن است همه این شقوق در بورس بازی اعتراض آمیز رخ ندهد)

نمونه سوالات اصول بازار سرمایه اسلامی

۱. کدام گزینه در مورد اصل عملی صحیح نیست؟
 - ۱) اصل اولی در اجتهاد فقهی است.
 - ۲) در صورت وجود دلیل خاص یا تعارض ادله باطل می شود.
 - ۳) صرفاً آیات قرآنی می توانند آن را باطل نمایند.
 - ۴) هیچ کدام
۲. کدام مورد صحیح است:
 - ۱) اصل عملی در باب معاملات فساد است.
 - ۲) صحت یک قرارداد به معنای مترتب شدن تمام آثار آن است.
 - ۳) در مقابل صحت فساد قرار دارد.
 - ۴) همه موارد
۳. اصل صحت معاملات:
 - ۱) اصل فساد را باطل نمی کند و برای موارد مشخصی صادق است.
 - ۲) به عنوان اصل ثانوی در باب معاملات مورد اتفاق همه علماست.
 - ۳) ناظر به معاملات رایج در صدر اسلام نیست.
 - ۴) بر مبنای اطلاق و عمومات کتاب و سنت استوار است.
۴. آیه وفای به عقود:
 - ۱) اطلاق دارد و مبنای اصل صحت معاملات است.
 - ۲) معاهدات میان انسانها و خدا را نیز در بر می گیرد.
 - ۳) در مورد تمام آنچه در عرف به عنوان عقد پذیرفته می شود صادق نیست.
 - ۴) الف و ب
۵. حضرت امام خمینی (ره) در مورد آیه شریفه وفای به عقود:
 - ۱) آیه را مربوط به زمان پیامبر (ص) می دانند.
 - ۲) معتقدند محدود کردن آیه مستلزم دور شدن از روال فقه و اصل دین است.
 - ۳) قائل به اختصاص آیه به پیمان های مربوط به زمان خلافت امیرالمؤمنین (ع) هستند.
 - ۴) نظر پیامبر (ص) در مورد معاملات را معیار صحت معاملات می دانند.
۶. ارتکاز عقلایی:
 - ۱) بر وجوب وفای در قراردادها به صورت مطلق تأکید دارد.
 - ۲) می تواند مبنای تفسیری اطلاق آیه وفای به عقود قرار گیرد.
 - ۳) دلیل بر تأیید شرع از هر گونه رفتار عقلا در باب معاملات است.
 - ۴) همه موارد
۷. کدام یک از موارد زیر صحیح نیست؟
 - ۱) در شبهه مصداقیه نمی توان بر عمومات تمسک جست.
 - ۲) اطلاق آیه وفای به عقود شامل قراردادهای صحیح شرعی است.
 - ۳) ارتکاز عرفی عقد و تجارت به عقد و تجارت صحیح اختصاصی ندارد.
 - ۴) تا زمانی که دلیل خاصی عقد مشخصی را از اطلاق آیه خارج نکرده آیه شامل آن است.



۸. خصوص لزوم صحت برای معاملات دلالت بر آن دارد که اسامی معاملات
- (۱) در صورت صحت شرعی صحیح هستند.
 - (۲) در صورت صحت عرفی صحیح هستند.
 - (۳) از اختراعات شرع است.
 - (۴) الف و ب

۹. چرا لزوم تخصیص اکثر در اطلاق آیه وفای به قراردادهای مطرح نیست؟
- (۱) لزوم تخصیص اکثر مستهجن نیست.

(۲) بیشتر قراردادهای جایزند و شامل اطلاق آیه نمی شوند.

(۳) به نظر مردم بیش از نصف معاملات لازمند نه جایز.

(۴) عقود خیاری قابل فسخ هستند و حوزه اطلاق آیه را در بر نمی گیرند.

۱۰. آیه وفای به عهد:

(۱) مربوط به عهد میان افراد است و تعهدات در برابر خالق را شامل نمی شود.

(۲) عهد عرفی را در نظر گرفته است.

(۳) مواردی از تعهدات که به دلیل عام از حکم استثنا می شوند بر اطلاق آیه خدشه می زنند.

(۴) مسلمانان را از تعرض به مشرکان وفادار منع می کند.

۱۱. کدام یک از موارد زیر صحیح است:

(۱) آیه تجارت شمولی مثل آیه لزوم به وفای به تعهدات را دارد

(۲) آیه تجارت صرفاً بر عموم قراردادهای تجاری و بازرگانی دلالت می کند.

(۳) آیه تجارت هم بر صحت قراردادهای دلالت دارد هم بر لزوم آنها

(۴) آیه تجارت مبنای قاعده ممنوعیت غرر می باشد.

۱۲. مفهوم شرط چیست؟

(۱) تعهدی ضمن یک قرارداد

(۲) تعهد ابتدایی

(۳) قرار بر انجام کاری

(۴) همه موارد

۱۳. المسلمون عند شروطهم:

(۱) بر صحت معاملات دلالت دارد.

(۲) بر لزوم معاملات دلالت دارد.

(۳) ظهور عرفی در وفا به التزامات خاص دارد.

(۴) الف و ب

۱۴. اصل لزوم قراردادهای را می توان با اثبات کرد:

(۱) آیه وفای به تعهدات

(۲) سیره عقلا

(۳) قاعده استصحاب

(۴) همه موارد

۱۵. قاعده استصحاب:

(۱) بر لزوم تردید در ثبات اثر قراردادهای قدیم در حال دلالت دارد.



- (۲) بر لزوم عدم فسخ قراردادهایی که منعقد گردیده اند دلالت دارد.
- (۳) بر لزوم فسخ قراردادهایی که منعقد گردیده اند و در ثبات آنها در حال شک است دلالت دارد.
- (۴) هیچ کدام
۱۶. اصل اولی در قراردادها:
- (۱) فساد است.
- (۲) صحت است.
- (۳) لزوم است.
- (۴) الف و ج
۱۷. در قراردادهای جایز:
- (۱) برای انعقاد قرارداد رضایت یک طرف معامله ضروری است.
- (۲) برای فسخ قرارداد رضایت یک طرف معامله ضروری است.
- (۳) برای اثبات شمول لزوم قراردادها کافی است.
- (۴) هیچ کدام
۱۸. قاعده استصحاب:
- (۱) بر لزوم و صحت قراردادها دلالت دارد.
- (۲) دلیل عامی برای قراردادهایی است که از دایره لزوم خارج اند.
- (۳) یکی از دلایل عملی بر لزوم قراردادهاست.
- (۴) دلالت بر فسخ قرارداد در شرایط شک در ابطال قرارداد دارد.
۱۹. شارع مقدس در برخورد با معاملات عرف و عقلا:
- (۱) روش اثباتی را در پیش گرفته است.
- (۲) روش اثباتی و اصلاحی را در پیش گرفته است.
- (۳) برخی را کاملاً حذف کرده است.
- (۴) ب و ج
۲۰. کدام مورد صحیح نیست؟
- (۱) مواردی که موضوع معامله مالیت ندارد اکل مال به باطل است.
- (۲) مواردی که موضوع معامله باعث ضرر و زیان می شود اکل مال به باطل است.
- (۳) مواردی که موضوع معامله لهو و لعب است اکل مال به باطل است.
- (۴) همه موارد
۲۱. بیان قرآن در مورد ماهی گیری یهودیان در روز شنبه:
- (۱) ناظر به بحث اتخاذ تدابیر برای احکام شرعی است.
- (۲) ناظر به بحث تبعیت از احکام شرعی و دستورات الهی است.
- (۳) ناظر به حيله های شرعی است.
- (۴) هیچ کدام
۲۲. کدام عبارت صحیح نیست؟
- (۱) حيله به معنای تیزهوشی مهارت دقت نظر و چاره جویی است.
- (۲) حيله عملی است که به منظور تغییر حکم شرعی انجام می شود.
- (۳) حيله عملی است که برای تغییر موضوعات احکام است نه خود احکام.

۴) هیچ کدام

۲۳. کدام مورد صحیح است:

- ۱) حيله ربا در شرع ممنوع است.
- ۲) حيله باعث تغيير حکم شرعی از طريق تغيير مقتضيات زمانه می گردد.
- ۳) حضرت امام خمینی (ره) حيله ربا را جایز نمی دانند.
- ۴) همه موارد

۲۴. طبق نظر حضرت امام خمینی (ره):

- ۱) حيله ربا باعث خروج موضوع ربا از علل تحریم ربا نمی شود.
- ۲) حيله ربا مصداق عدم قصد جدی بر انجام معامله نیست.
- ۳) تجویز حيله ربا در تمام موارد جایز است.
- ۴) عدم جواز حيله توسط پیامبر (ص) مربوط به شرایط زمان ایشان است.

۲۵. طبق نظر حضرت آیت ا... مکارم شیرازی:

- ۱) بیع شرط مصداق عدم قصد جدی بر انجام معامله نیست.
- ۲) تقریباً در هیچ یک از موارد حیل ربا قصد جدی بر انجام معامله وجود ندارد.
- ۳) حيله ربا جایز است.
- ۴) هیچ کدام

۲۶. کدام مورد در خصوص بیع العینه صحیح نیست:

- ۱) روایاتی برای تجویز آن وجود دارد.
- ۲) فقهای شیعه در صورت نبود شرط رأی به جواز آن داده اند.
- ۳) شیخ طوسی قائل به کراهت آن است.
- ۴) عبارت است از خریدن سیب کالایا و اجاره آن

۲۷. قائلین به جواز حيله ربا:

- ۱) حيله های ربا را قرارداد مستقل می دانند.
- ۲) آن را از باب اطلاق عمومات قرآنی صحیح می دانند.
- ۳) به روایت تجویز کننده بیع العینه استناد می کنند.
- ۴) همه موارد

۲۸. بیع محاباتی چیست؟

- ۱) خرید نسیه و فروش نقد
- ۲) بیعی که ثمن و مئمن در آینده است.
- ۳) بیع کمتر یا بیش از ثمن مثل است.
- ۴) هیچ کدام

۲۹. کدام مورد معیار تشخیص حيله مجاز و غیر مجاز است؟

- ۱) عدم قصد جدی بر معامله
- ۲) صدق عنوان ربا بر حيله
- ۳) اتحاد عرفی و عقلایی حيله با ربا
- ۴) همه موارد

۳۰. خرید و فروش نقد و نسیه:



- ۱) مصداق حيله ربا غيرمجاز است.
- ۲) مصداق حيله رباى مجاز است.
- ۳) مورد نکوهش قرآنى قرار دارد.
- ۴) مصداق ربا است.

۳۱. اگر در قرارداد قرض شرط شود که قرض گیرنده فردی را به عنوان ضامن معرفی کند:

- ۱) تنها در صورت رضایت قرض گیرنده صحیح است.
- ۲) مصداق شرط زیاده و رباست.
- ۳) اشکالی ندارد.
- ۴) باید مبلغ ارزش رهن از اصل بدهی بیشتر نباشد.

۳۲. شرط قرض دهنده به استفاده از منافع رهن:

- ۱) اشکالی ندارد.
- ۲) مورد اختلاف نظر است.
- ۳) ربا و حرام است.
- ۴) تنها در صورت رضایت قرض گیرنده صحیح است.

۳۳. اخذ کارمزد در قرارداد قرض:

- ۱) جایز است.
- ۲) باید صرفاً هزینه های حقوق کارمندان را پوشش دهد.
- ۳) باید صرفاً هزینه های مکان را پوشش دهد.
- ۴) جایز نیست.

۳۴. کدام یک از موارد مصداق کالای مثلی نیست؟

- ۱) درهم و دینار
- ۲) گندم و جو
- ۳) گوسفند
- ۴) هیچ کدام

۳۵. در کالاهای قبلی، بازپرداخت آن در قرارداد قرض:

- ۱) نباید از ارزش دارایی در زمان انعقاد قرارداد بیشتر باشد.
- ۲) نباید از ارزش دارایی در زمان انعقاد قرارداد کمتر باشد.
- ۳) در هر صورت باید قبل آن تأدیه گردد.
- ۴) بسته به رضایت طرفین متفاوت است.

۳۶. در کالاهای رقمی ملاک بازپرداخت:

- ۱) زمان انعقاد قرارداد است.
- ۲) زمان بازپرداخت است.
- ۳) گزینه الف به صحت نزدیکتر است.
- ۴) همه موارد.

۳۷. در کالاهای رقمی ملاک بازپرداخت:

- ۱) احتیاط در ترفافی است.
- ۲) قیمت زمان انعقاد قرارداد به صحت نزدیک است.

۳) قیمت زمان تسویه قرارداد به صحت نزدیک است.

۴) الف و ب

۳۸. طبق نظر حضرت امام (ره) در قرارداد قرض:

۱) اگر مدت تعیین شود صحیح است و عمل به آن لازم است.

۲) اگر مدت تعیین شود صحیح نیست و قرارداد باطل است.

۳) اگر مدت تعیین شود صحیح است ولی عمل به آن لازم نیست.

۴) هیچ کدام

۳۹. مشهور فقها سابق بر این عقیده اند که قرارداد قرض:

۱) جایز است و اشتراط زمان لزوم معنا نمی آورد.

۲) لازم است.

۳) جایز است ولی اشتراط زمان لزوم وفا می آورد.

۴) لازم است ولی اشتراط زمان آن را جایز می کند.

۴۰. کدام مورد صحیح نیست؟

۱) بدون ایجاب و قبول قرارداد قرض منعقد نمی شود.

۲) ایجاب و قبول باید به عربی باشد.

۳) عقد قرض بدون لفظ نیز محقق می شود.

۴) ترتیب آثار و ملکیت قرض گیرنده متوقف بر قبض و اقباض است.

۴۱. کدام مورد صحیح است؟

۱) صلح در لغت به معنای توافق است.

۲) صلح می تواند بر منفعت نیز قرار گیرد.

۳) مصالح له می تواند قرارداد صلح را یکجانبه فسخ نماید.

۴) الف و ب

۴۲. قرارداد صلح:

۱) می تواند بدون عوض باشد.

۲) ضوابط قرارداد هبه را ندارد.

۳) نیازی به اختلاف اولیه بین طرفین ندارد.

۴) همه موارد

۴۳. کدام یک از خيارات و حقوق ذیل در صلح جاری نمی شود؟

۱) خيار مجلس

۲) خيار حيوان

۳) حق شفعه

۴) همه موارد

۴۴. اگر قرارداد صلح فایده ابراء بدهد:

۱) نیاز به ایجاب و قبول ندارد.

۲) لازم می شود.

۳) نیاز به عوض دارد.

۴) ب و ج صحیح است.

۴۵. می توان قرارداد صلح را بر قرار داد.

(۱) عین

(۲) دین

(۳) حق

(۴) همه موارد

۴۶. طرفین قرارداد صلح عبارتند از:

(۱) مصالح و متصالح

(۲) مصالح

(۳) متصالحین

(۴) همه موارد

۴۷. کدام مورد صحیح نیست؟

(۱) طرفین قرارداد صلح باید بالغ باشند.

(۲) طرفین قرارداد صلح قصد صلح داشته باشند.

(۳) طرفین قرارداد صلح باید عوض و معوض قرار دهند.

(۴) هیچ کدام

۴۸. کدام مورد صحیح نیست:

(۱) اختیار تأخیر اختصاص به بیع دارد.

(۲) تمام اختیارات بیع در صلح نیز جاری است.

(۳) در نبوت ارزش در صلح اشکال است.

(۴) هیچ کدام

۴۹. صلح دین به دین:

(۱) صحیح است.

(۲) نباید به ربا منتهی شود.

(۳) ضوابط بیع دین به دین را دارد.

(۴) مصداق معامله ربوی است.

۵۰. ربا در صلح:

(۱) جاری نیست.

(۲) در صورت جهل به مقدار و احتمالی نیز جاری است.

(۳) در مکیل و موزون جاری نیست.

(۴) اقوی بر جریان است.

۵۱. طبق نظر حضرت امام (ره):

(۱) بعید است حرمت ربا از ضروریات دین باشد.

(۲) حرمت ربا به وسیله عرف مردم ثابت است.

(۳) در قرارداد قرض زیاده بدون شرط حرام نیست.

(۴) همه موارد

۵۲. کدام مورد صحیح است؟

(۱) اولین مرحله تحریم ربا به ناپسند بودن رباخوار می پردازد.



- ۲) قرآن تنها ربای فاحش را حرام اعلام کرده است.
۳) نظریه تحریم تدریجی ربا صحیح نیست.
۴) هیچ کدام

۵۳. طبق حدیث، هرگاه خداوند هلاک قومی را اراده کند:

۱) به یکدیگر ضرر می‌رسانند.

۲) بینشان ربا پدید می‌آید.

۳) زناکاری رواج پیدا می‌کند.

۴) همه موارد

۵۴. کدام مورد از مصادیق علل تحریم ربا نیست؟

۱) باعث نابودی است.

۲) کارهای نیک را از بین می‌برد.

۳) باعث رهاکردن قرض می‌شود.

۴) هیچ کدام

۵۵. کدام مورد صحیح است؟

۱) اگر در قرارداد قرض، زیادی بدون شرط باشد ربای حلال است.

۲) در قرارداد قرض هرگونه زیادی جایز نیست.

۳) قرض کننده مستحب است بدون شرط اضافه بپردازد.

۴) الف و ج

۵۶. کدام مورد مصداق زیاده صفتی است؟

۱) استفاده از عین رهنی در قرارداد قرض

۲) انجام کار توسط قرض گیرنده

۳) شرط دریافت درهم سالم به جای شکسته

۴) هیچ کدام

۵۷. مبادله یک تن گندم به یک تن گندم به صورت نسیه:

۱) مصداق ربای عینی و حرام است.

۲) مصداق ربای حکمی و حرام است.

۳) مصداق ربا نیست.

۴) بسته به شرایط جامعه حکم آن متفاوت است.

۵۸. معامله دو کالایی که شمارشی است به اضافه:

۱) مصداق ربای حکمی است.

۲) مصداق ربای جایز است.

۳) مصداق ربای صفتی است.

۴) اصلاً مصداق ربا نیست.

۵۹. مضاربه عقدی است که:

۱) فردی، مالی را در اختیار فرد دیگر می‌گذارد.

۲) تا با آن مال به تولید بپردازد.

۳) سود حاصله طبق توافق دو جانبه به نسبتی که در پایان قرارداد معین خواهد شد تقسیم گردد.



۴ الف و ب

۶۰ کدام طرف مضاربه نباید ورشکسته باشد؟

(۱) عامل

(۲) مالک

(۳) سایر سرمایه گذاران فعال

(۴) تمام موارد

۶۱ کدام مورد ویژگی سرمایه مضاربه نیست؟

(۱) عین بودن

(۲) نقد بودن

(۳) معلوم بودن

(۴) هیچکدام

۶۲ در صورت فسخ قرارداد مضاربه قبل از سررسید:

(۱) کالای موجود فروخته و نقد می شود.

(۲) سود باقیمانده با نسبت جدید مورد توافق بین طرفین تقسیم می شود.

(۳) در صورت خسارت به اصل سرمایه مالک نمی تواند خسارت خود را جبران نماید.

(۴) همه موارد

۶۳ کدام یک صحیح نیست؟

(۱) مضاربه عقدی جایز است.

(۲) شرط لزوم باعث فساد قرارداد است.

(۳) تعیین مدت باعث لزوم قرارداد نمی شود.

(۴) همه موارد

۶۴ مضاربه فضولی چیست؟

(۱) وقتی کسی مال دیگری را به مضاربه گذارد.

(۲) وقتی کسی در حوزه غیرمجاز تجارت کند.

(۳) وقتی کسی در مضاربه افراط نماید.

(۴) همه موارد

۶۵ کدام مورد صحیح است؟

(۱) عامل امین است و اگر تلف یا عینی بر مال وارد شد به هیچ عنوان ضامن نیست.

(۲) عقد مضاربه را می توان به صورت جعاه منعقد ساخت.

(۳) اگر مالک فوت کند مضاربه باطل نمی شود.

(۴) اگر در اثر تأخیر در استفاده از مال، مال تلف شد عامل ضامن است.

۶۶ ضمانات در زمره انواع:

(۱) اسباب اختیاری دین است

(۲) اسباب قهری دین است

(۳) اسباب اختیاری قرض است

(۴) اسباب قهری قرض است

۶۷ کدام مورد صحیح است:



- ۱) تعیین زمان سررسید دیون همیشه به عهده شارع است.
- ۲) تعیین زمان سررسید دیون همیشه به عهده طلبکار و بدهکار است.
- ۳) تعیین زمان سررسید دیون صرفاً در فروش نسبه به عهده شارع است.
- ۴) هیچ کدام

۶۸. در موعد سررسید دیون، بدهکار باید:

- ۱) بپردازد حتی اگر مجبور به مطالبه طلب خود از دیگری باشد.
- ۲) بپردازد حتی اگر مجبور به اجاره ملک خود باشد
- ۳) بپردازد حتی اگر مجبور به فروش زمین خود باشد
- ۴) تمام موارد

۶۹. کاهش دین در مقابل پرداخت زودتر:

- ۱) صحیح است بدون اختلاف
 - ۲) صحیح است طبق برخی فتاوی
 - ۳) صرفاً در مورد بیع نسبه و سلف صحیح است.
 - ۴) صرفاً در صورت پیشنهاد مدیون صحیح است.
۷۰. کاهش دین در مقابل پرداخت زوتر به کدام نزدیکتر است:

- ۱) صلح
- ۲) ابراء
- ۳) هدیه
- ۴) بیع

۷۱. کدام مورد جزء مستثنیات دین نیست؟

- ۱) غذای مناسب
- ۲) مرکب
- ۳) شغل
- ۴) لباس

۷۲. طبق نظر حضرت امام (ره):

- ۱) جریمه تأخیر دین به هیچ عنوان جایز نیست
- ۲) جریمه تأخیر دین با رضایت طرفین صحیح است
- ۳) جریمه تأخیر دین تنها در نظام اسلامی صحیح است.
- ۴) جریمه تأخیر دین تنها به صورت شرط ضمن عقد صحیح است.

۷۳. شورای نگهبان جریمه تأخیر دین را :

- ۱) طبق نظر حضرت امام (ره) غیر شرعی می داند.
- ۲) اگر به صورت شرط ضمن عقد به ذمه مدیون باشد قابل مطالبه می داند.
- ۳) به صورت مطلق جایز می داند
- ۴) به صورت مطلق جایز نمی داند.

۷۴. کدام مورد در خصوص نظر حضرت امام (ره) در مورد دین صحیح است:

- ۱) بیع آن را صحیح نمی دانند.
- ۲) بیع آن به مدیون را صحیح می دانند.



۳) در مورد بیع آن دو نظر مختلف دارند.

۴) بیع آن به قیمت اسمی را صحیح می دانند.

۷۵. مشهور فقهای شیعه بیع دین را:

۱) صحیح می دانند.

۲) باطل می دانند

۳) در صورت فروش به مدیون صحیح می دانند

۴) به قیمت اسمی صحیح می دانند.

۷۶. موارد متیقن در خروج از عموم آیات اطلاق بیع:

۱) جایی است که هر دو دین قبل از عقد دین بوده اند.

۲) جایی است که هر دو دین با عقد دین می شوند.

۳) خروج از اصل لفظی است.

۴) هیچ کدام

۷۷. در کدام از انواع بیع، مبیع و ثمن معامله، هر دو مدت دار است و حکم آن از نظر شرعی چیست؟

۱) بیع سلف - صحیح

۲) بیع سلف - باطل

۳) بیع کالی به کالی - صحیح

۴) بیع کالی به کالی - باطل

۷۸. تنزیل اسناد و اوراق بهادار مطابق کدام عقد شرعی صورت می گیرد؟

۱) عقد قرض

۲) بیع دین

۳) عقد اجاره به شرط تملیک

۴) عقد شرکت

۷۹. کدام گزینه در مورد عقد بیع، نادرست است؟

۱) عقد بیع قراردادی معاوضه ای است.

۲) عقد بیع قراردادی تملیکی است.

۳) عقد بیع قراردادی جایز است.

۴) عقد بیع قراردادی لازم است.

۸۰. کدام گزینه در مورد قاعده «نفی ضرر» صحیح است؟

۱) ادله احکام اولیه بر قاعده «لاضرر» مقدم است

۲) قاعده «نفی ضرر» بر قاعده «تسلیط مردم بر اموال خود» مقدم است

۳) قاعده «تسلیط مردم بر اموال خود» بر قاعده «نفی ضرر» مقدم است

۴) قاعده «نفی ضرر»، امور عدمی را شامل نمی شود.

۸۱. منظور از «اصل لزوم قراردادها»، این است که:

۱) اصل اولی در قراردادها لزوم است مگر اینکه جواز قراردادی با دلیل خاصی ثابت شود.

۲) هر معامله ای نیاز به ایجاب و قبول دارد و بنابراین لازم است قراردادنامه کتبی نوشته شود.

۳) اصل بر این است که انجام معاملات اقتصادی جزء ضروریات زندگی اجتماعی می باشد.

۴) اصل اولی در قراردادها صحت آنهاست و صرفین ملزم به مفاد آن هستند.



۸۲. کدامیک از موارد ذیل در مورد «قرارداد صلح» صحیح نیست؟

- ۱) قراردادی است که به موجب آن انسان با دیگری سازش کند مقداری از مال یا منفعت مال خود را ملک او کند
 - ۲) متعلق قرارداد صلح، تنها باید عین یا حق باشد و مصالحه دین با دین مطلقاً صحیح نیست.
 - ۳) تمامی اختیارات به جز خیار مجلس، خیار حیوان و خیار تاخیر در صلح جایز است.
 - ۴) ارکان قرارداد صلح عبارتند از ایجاب و قبول، طرفین قرارداد و متعلق صلح
۸۳. در زمینه اصل اولی و ثانوی در معاملات کدام گزینه صحیح است؟

- ۱) اصل اولی در باب معاملات، صحت است
- ۲) اصل اولی در باب معاملات، فساد است.
- ۳) اصل ثانوی در باب معاملات، فساد است
- ۴) گزینه‌های ۱ و ۲ صحیح است.

۸۴. کدام گزینه جزء انواع قراردادها نمی‌باشد؟

- ۱) لازم
- ۲) جایز
- ۳) اقاله
- ۴) باطل

۸۵. مطابق حدیث «اکل الربا و موکله و کاتبه و شاهده و فیه سواء»، گناه ربا بر عهده کیست؟

- ۱) ربا دهنده
- ۲) ربا گیرنده
- ۳) نویسنده و شاهد ربا خواری
- ۴) گزینه‌های ۱ و ۲ صحیح است.

۸۶. طبق ضابطه «ممنوعیت اکل مال به باطل» کدام معامله مطابق این قاعده باطل است؟

- ۱) معامله ای که موضوع آن مالیت نداشته باشد.
- ۲) معامله ای که موضوع آن منفعت حلال نداشته باشد.
- ۳) معامله ای که موجب تضییع حقوق دیگران شود.
- ۴) همه گزینه‌های ۱ و ۲ و ۳

۸۷. در قاعده «ممنوعیت اکل مال به باطل» منظور از باطل کدام گزینه است؟

- ۱) باطل شرعی
- ۲) باطل عرفی
- ۳) باطل واقعی
- ۴) هیچکدام

۸۸. کدام گزینه در مورد قاعده «نفی ضرر» صحیح است؟

- ۱) ادله احکام اولیه بر قاعده «لاضرر» مقدم است
- ۲) قاعده «نفی ضرر» بر قاعده «تسلیط مردم بر اموال خود» مقدم است
- ۳) قاعده «تسلیط مردم بر اموال خود» بر قاعده «نفی ضرر» مقدم است
- ۴) قاعده «نفی ضرر»، امور عدمی را شامل نمی‌شود.

۸۹. بیعی که در آن نسبت به اصل معامله یا موضوع آن، خدعه، فریب، و یا اغفال اعمال شود یا از جهالت طرف مقابل سوء استفاده شود طبق کدام قاعده باطل است؟



- ۱) قاعده نفی غرر
- ۲) قاعده نفی ضرر
- ۳) قاعده حرمت ربا
- ۴) قاعده اکل مال به باطل

۹۰. کدام گزینه در مورد قاعده «نفی غرر» صحیح است؟

- ۱) این قاعده اختصاص به عقد بیع دارد و در معامل دیگری جاری نمی شود.
- ۲) این قاعده اختصاص به عقد بیع و عقد صلح دارد و در معاملات دیگر جاری نمی شود.
- ۳) این قاعده اختصاص به عقد خاصی ندارد و بلکه هر نوع معامله غرری، باطل است.
- ۴) هیچکدام

۹۱. کدام گزینه در مورد «ربا» صحیح است؟

- ۱) فقط ربای فاحش حرام است بنا براین زیاده اندک ربا محسوب نمی شود و اشکال ندارد.
- ۲) ربا در قرض های مصرفی حرام است بنابراین ربا در قرض های سرمایه گذاری اشکالی ندارد.
- ۳) ربا در وام بانک های خصوصی حرام است بنابراین ربا در وام بانک های دولتی اشکالی ندارد.
- ۴) هیچکدام

۹۲. کدام گزینه «ربا» محسوب می شود؟

- ۱) قرضی که در آن شرط شود قرض گیرنده مبلغی اضافه بپردازد.
- ۲) قرضی که در آن قرض گیرنده بدون شرط اولیه و با میل خود، مبلغی را اضافه بپردازد.
- ۳) قرضی که در آن شرط شود قرض گیرنده کاری را به نفع قرض گیرنده انجام دهد.
- ۴) گزینه الف و ج صحیح است.

۹۳. انواع ربا عبارت است از:

- ۱) ربای قرض و ربای انتظاری
- ۲) ربای انتظاری و ربای معاملی
- ۳) ربای قرضی و ربای معاملی
- ۴) ربای قرضی و ربای معاملی و ربای انتظاری

سوالات اصول بازار سرمایه اسلامی

۱. مطابق قاعده نفی غرر، اگر بیع به صورت غرری باشد، باطل است. منظور از غرر کدام گزینه است؟
 - ۱) بیعی که در آن نسبیّت به اصل معامله یا موضوع آن خدعه، فریب و یا اغفال اعمال شود.
 - ۲) بیعی که در آن یکی از طرفین از جهالت طرف مقابل سوء استفاده کند.
 - ۳) بیعی که در آن یکی از طرفین ضرر دیده باشد.
 - ۴) گزینه ۱ و ۲ صحیح است.
۲. قرضی که در آن قرض گیرنده بدون شرط اولیه و با میل خود، مبلغی را اضافه بپردازد، چه حکمی دارد؟
 - ۱) چون هر نوع زیاده ای در ضمن قرض حرام است، مورد مذکور هم حرام است.
 - ۲) قرض گیرنده می تواند با میل خود و بدون شرط مقداری زیادی بپردازد، ولی قرض دهنده حق ندارد آن را قبول کند.
 - ۳) چون به صورت شرطی نیست، ایرادی ندارد و قرض دهنده هم می تواند آن را اخذ کند.
 - ۴) در صورتی که قرض دهنده انتظار زیاده داشته باشد، قرض گیرنده باید آن زیاده را بر او بپردازد.
۳. از انواع عقد، کدام یک شرعاً باطل است و هیچ اثر حقوقی ندارد؟
 - ۱) کالی به کالی
 - ۲) نقد
 - ۳) نسیه
 - ۴) سلف
۴. در عقد اجاره به شرط تملیک، ابتدا احکام عقد جاری می شود و در نهایت احکام عقد جاری می شود.
 - ۱) بیع - اجاره
 - ۲) بیع - تملیک
 - ۳) اجاره - بیع
 - ۴) تملیک - بیع
۵. کدام یک از موارد زیر مصداق اکل مال به باطل نیست؟
 - ۱) مواردی که موضوع معامله مالیت ندارد.
 - ۲) مواردی که معامله موجب تضییع حقوق دیگران نشود.
 - ۳) مواردی که موضوع معامله منفعت حلال ندارد.
 - ۴) مواردی که معامله با فریب همراه است.
۶. هر نوع تصرف در اموال دیگران به گونه ای که از دیدگاه عرف و عقل یا شرع اکل مال به باطل باشد
 - ۱) حلال است.
 - ۲) حرام است.
 - ۳) مباح است.
 - ۴) بسته به سایر شرایط حاکم بر قرارداد ممکن است حلال یا حرام یا حرام باشد.
۷. طبق قاعده معامله یکی از شرکاء بدون لحاظ حق شفعه، مجاز نیست؟
 - ۱) حیازت
 - ۲) غرر
 - ۳) اکل مال به باطل

۴) لاضرر و لاضرار

۸. خدعه و نیرنگ در یک معامله، به طور مشخص به وسیله کدام یک از ضوابط عمومی قراردادهای بازار سرمایه از دیدگاه فقه اسلامی نهی شده است؟

- ۱) ممنوعیت غرر
- ۲) ممنوعیت ضرر
- ۳) ممنوعیت اکل مال به باطل
- ۴) ممنوعیت اتلاف

۹. فروش کالا به شرط این که مشتری در هر زمان یا در هر مکان به هر وسیله ای که خواست قیمت کالا را بپردازد، بر اساس قاعده باطل است.

- ۱) ممنوعیت ربا
- ۲) ممنوعیت اکل مال به باطل
- ۳) ممنوعیت ضرر و ضرار
- ۴) ممنوعیت غرر

۱۰. اگر فردی به دیگری مبلغی پول قرض دهد و از وی علاوه بر اصل پول، انجام کاری را نیز طلب نماید (مانند این که برای وی لباسی را بدوزد) این معامله مشمول کدام یک از ضوابط زیر است؟

- ۱) ممنوعیت ضرر
- ۲) ممنوعیت غرر
- ۳) ممنوعیت اکل مال به باطل
- ۴) ممنوعیت ربا

۱۱. بیعی که در آن شرط شود اگر مشتری تا مدت معینی پول را برگرداند، حق فسخ و استرداد کالای فروخته شده را دارد، نامیده می شود.

- ۱) بیع العینه
- ۲) بیع الخيار
- ۳) بیع العربون
- ۴) بیع محاباتی

۱۲. کم کردن از مبلغ دین مدت دار در قبال پرداخت زودتر از موعد را گویند که جایز است.

- ۱) تعجیل - است
- ۲) تنزیل - نیست
- ۳) تنزیل - است
- ۴) تعجیل - نیست

۱۳. در دین موجب، دائن حق دارد میزان دین را کند.

- ۱) تنها در زمان سر رسید - دریافت
- ۲) تنها در زمان سر رسید - پرداخت
- ۳) هر زمان که بخواهد - دریافت
- ۴) هر زمان که بخواهد - پرداخت

۱۴. عقد عقدی است که به موجب آن هر یک از فروشنده و خریدار، مال خود را در عوض مال طرف مقابل به وی تملیک می کند.



- (۱) بیع
- (۲) قرض
- (۳) شرکت
- (۴) مضاربه

۱۵. عبارت است از متعهد شدن شخص به پرداخت اجرت معین در برابر انجام کار معین.

- (۱) مزارعه
- (۲) مضاربه
- (۳) جعاله
- (۴) مرابحه

۱۶. اگر شرکتی اعلام کند هر پیمانکاری که بتواند ساختمانی با مشخصات معین را در مکان مشخصی احداث کند، مبلغ معینی به او پرداخت می شود، در این صورت شرکت از چه قراردادی استفاده می کند؟

- (۱) جعاله
- (۲) مضاربه
- (۳) اجاره
- (۴) مزارعه

۱۷. بورس بازران معمولاً در فرآیند خرید و فروش اوراق بهادار چگونه عمل می کنند؟

- (۱) به سود تقسیمی حساسیت زیادی دارند.
- (۲) دید کوتاه مدت دارند.
- (۳) به دنبال کسب سود از ناحیه خرید ارزان و فروش گران تر هستند.
- (۴) موارد ۲ و ۳

۱۸. کدام عبارت در مورد داد و ستد بورس بازران در بازار اوراق بهادار از دقت کمتری برخوردار است؟

- (۱) اخبار و شایعات نقش مهمی در تصمیم گیری بورس بازران در ارتباط با معاملات اوراق بهادار دارد.
- (۲) بورس بازران گرایش بسیاری به استفاده از تحلیل تکنیکی در خرید و فروش اوراق بهادار دارند.
- (۳) معاملات این گروه از افراد عمدتاً بر پایه تحلیل بنیادی استوار است.
- (۴) بورس بازران را می توان از جمله سرمایه گذاران ریسک پذیر بر شمرد.

۱۹. در مورد تشابه یا تفاوت بورس بازی و قمار، کدام یک از گزینه های زیر درست است؟

- (۱) بورس بازی و قمار هر دو بازی با جمع صفر بوده و سود یک طرف برابر زیان طرف دیگر خواهد بود.
- (۲) بورس بازی در صورتی که مبتنی بر مواردی هم چون دستکاری، غرر، تبانی و اشاعه اکاذیب نباشد، حلال است، اما قمار در هر حالتی حرام ماست.
- (۳) شرط حلال بودن بورس بازی مبتنی نبودن آن بر بخت و اقبال است، در حالی که قمار در هر شرایطی حرام است.
- (۴) بورس بازی و قمار هر دو مبتنی بر عملی نامشروع است.

۲۰. به نظر شما کدام یک از موارد زیر در مورد بورس بازی نمی تواند صحیح باشد؟

- (۱) بورس بازی سبب افزایش نقدشوندگی بازار می شود.
- (۲) بورس بازی در بسیاری از موارد به صورت روزانه معامله نمی کند.
- (۳) دیدگاه بورس باز کوتاه مدت است.
- (۴) هدف بورس باز کسب سود کم ولی سریع است.